صبح صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۶۰ | دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ | ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | ۲ نوامبر ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

پرونده ۴

جانشین فرمانده کل سپاه

انقلاب اسلامی با قدرت به راه خود ادامه می‌دهد

نگاه ۲
مهدی سعیدی
چهار راه تدبیر امور کشور

نگاه ۲
رضا صارمی
جنگی که از پمپ‌بنزین‌ها می‌گذرد

فرهنگ ۷
آرش فهیم
خاکریز سینما

تحول بزرگ در قدرت دفاعی

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

فرمان فرمانده معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای(مدظله‌العالی)، خطاب به فرماندهان عالی‌رتبه نظامی، در خصوص چگونگی پاسخ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به هر نوع حمله احتمالی دشمن، نشان از تغییر و تحول در سیاست دفاعی کشور از حیث جغرافیای جنگ دارد.

معظم‌له در دیدار با رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرماندهان سپاه و ارتش، تصریح فرمودند، پاسخ به هر نوع حمله دشمن باید دارای سه خصوصیت زیر باشد:

فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی.

در میان سه ویژگی ذکر شده، پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی، در واقع نشان‌دهنده عبور ایران از محدودیت‌های خود اعمالی گذشته است. جمهوری اسلامی ایران به دلایلی در گذشته، برد موشک‌های خود را به یک شعاع مشخص محدود کرده بود.

جنگ تحمیلی دوم و سوم، نشان داد که با توجه با دو نکته زیر، این محدودیت جغرافیایی باید برداشته شود:

۱. در جنگ تحمیلی سوم، تقریباً عمده پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه نزدیک به ایران نابود شد و آمریکایی‌ها، نیروها و امکانات خود را به پایگاه‌های دورتر از مرزهای ایران برده‌اند. بسیار روشن است که در چنین وضعیتی، نیروهای مسلح ایران باید برای دفاع فوری و اثرگذار، از محدودیت‌های جغرافیایی پیشین عبور کنند که در این دیدار مجوز کنار گذاشتن این محدودیت صادر شد.

۲. در جنگ تحمیلی سوم، مشخص شد که آمریکایی‌ها از پایگاه‌های متحدان خود در مناطق دوردست و خارج از محدوده اعلامی ایران استفاده کرده و علیه امنیت ملت ایران به شرارت دست می‌زنند.

با برداشته شدن این محدودیت، هر متحد آمریکا باید بداند که همراهی با دشمن متجاوز به ایران، در هر گوشه ای از جهان هم که باشد، با پاسخ فوری و اثربخش و بدون محدودیت جغرافیایی مواجه خواهد شد.

اما نکته پایانی در اعتبار تهدید ایران و قدرت و امکان پاسخگویی به متجاوزان، آن هم بدون محدودیت جغرافیایی است.

پیش از این در میدان نبرد، اعتبار تهدیدهای ایران اثبات شده و دشمن نیز به خوبی می‌داند که آنچه رهبری معظم انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بیان می‌دارند، تماماً امکان تحقق دارد. به عبارتی، هم‌اکنون با پیشرفت‌ها و دستیابی به فناوری‌های نوین در نیروهای مسلح، ایران قدرت و ابزار پاسخ به هر نوع و هر سطحی از تجاوز نظامی را در کوتاه‌ترین زمان و بدون محدودیت جغرافیایی در اختیار دارد.

دشمن آمریکایی و صهیونی، باید تاکنون متوجه این معنا شده باشد که در برابر قدرت دفاعی ملت ایران، هیچ راهی جز پذیرش شکست راهبردی ندارد. بنابراین هر نوع جنگ احتمالی دیگر، نه تنها نمی‌تواند معادله قدرت را به نفع متجاوزان تغییر دهد؛ بلکه بر خسارت‌ها و تحقیرهای آنان خواهد افزود.

در کنار مجاهدت‌های مخلصانه رزمندگان اسلام در نیروهای مسلح، عامل اصلی در پیروزی سپاه اسلام بر کفر و استکبار جهانی، همانا «نصرت الهی» است؛ نصرت خداوندی که اساساً پیروزی به دست قدرت مطلق او رقم می‌خورد: «وما النصر الا من عندالله العزیز الحکیم.»

فرهنگ ۷

دیدبانان آسمانِ ایران

پاسدار ۴

دستور فرمانده معظم کل قوا به فرماندهان ارشد نظامی

پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی

شماره ۱۲۶۰ | دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵
صبح صادق

نیم نگاه

جنگی که از پمپ‌بنزین‌ها می‌گذرد

رضا صارمی‌راد
کارشناس مسائل بین‌الملل

چند روز به انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا مانده و پرونده ایران برخلاف الگوی همیشگی انتخابات‌های این کشور، نه از مسیر امنیت ملی، بلکه از مسیر جیب رأی‌دهندگان وارد کارزار شده است. جنگی که هشت ماه پیش با حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران آغاز شد، امروز در ذهن بسیاری از آمریکایی‌ها بیش از هر چیز به قبض و پمپ‌بنزین گره خورده است.

مهم‌ترین اهرم تهران «تنگه هرمز» است. اختلال در این گذرگاه، میانگین قیمت بنزین در آمریکا را از کمتر از سه دلار پیش از جنگ به حدود ۴/۳ دلار برای هر گالن رسانده و گازوئیل را به رکورد تاریخی رسانده است. تورم به ۳/۷ درصد رسیده و بانک مرکزی، برخلاف خواست رئیس‌جمهور، نرخ بهره را بالا برده است. در نظرسنجی‌های متعدد طی ماه‌های گذشته، حدود شصت درصد آمریکایی‌ها جنگ را اشتباه دانسته‌اند. دموکرات‌ها نیز مخالفت با جنگ را کمتر به‌عنوان بحثی اصولی و بیشتر به منزله مسئله هزینه زندگی صورت‌بندی کرده‌اند؛ روایتی که در میان رأی‌دهندگان مستقل به خصوص در هفته‌های منتهی به انتخابات کارآمدتر بوده است. بحث تنگه و انرژی تنها کارت ایران برای تأثیرگذاری در سیاست داخلی آمریکا نیست و تهران این معادله را خوب می‌شناسد. به گفته مقامات، راهبرد ایران ادامه مذاکرات بدون شتاب برای رسیدن به توافق و حفظ وضعیتی میان جنگ و صلح تا پس از انتخابات است. رسانه‌ها و مقامات ایرانی نیز آشکارا و به خوبی افکار عمومی آمریکا را مخاطب قرار داده‌اند، از پیام‌های انگلیسی‌زبان مذاکره‌کننده ارشد درباره تورم تا نامه چهره‌های نظامی خطاب به آمریکایی‌ها. ترامپ در پاسخ می‌گوید انتخابات در محاسبات او جایی ندارد و تهران را به بالا بردن عمدی قیمت نفت متهم می‌کند. هرمز به این ترتیب هم ابزار نظامی است و هم ابزار انتخاباتی، و هر دو طرف باور دارند ساعت طرف مقابل زودتر پایان می‌یابد. باید گفت که جنگ تنها متغیر نیست. محبوبیت ترامپ پیش از آغاز جنگ نیز حدود چهل درصد بود و انتخابات میان‌دوره‌ای معمولاً به زیان حزب رئیس‌جمهور در قدرت تمام می‌شود. جنگ بیشتر شتاب‌دهنده است تا علت یگانه. از سوی دیگر، پیروزی دموکرات‌ها پایان جنگ را تضمین نمی‌کند و کنگره می‌تواند بودجه را محدود کند، اما حق وتو با رئیس‌جمهور است. برخی تحلیلگران حتی در خود ایران هشدار داده‌اند که رئیس‌جمهوری تضعیف شده و زیر فشار متحدانش ممکن است کمتر به سازش تمایل داشته باشد. بیشتر پیش‌بینی‌ها دموکرات‌ها را در کنترل مجلس نمایندگان پیش می‌اندازند و رقابت در سنا دشوارتر ارزیابی می‌شود. اما مهم‌تر از نتیجه، آنچه پس از سوم نوامبر رخ می‌دهد، ترامپ هم از توافق سریع سخن گفته و هم از بازگشت به جنگ تمام‌عیار. ایران امروز نه با رأی‌دهنده آمریکایی، بلکه با گرانی‌ای که او حس می‌کند بر این انتخابات اثر می‌گذارد، و پاسخ واشنگتن به این فشار، تعیین‌کننده مرحله بعدی جنگ خواهد بود.

چهارراه تدبیر امور کشور

مهدی سعیدی
جریان‌شناس سیاسی

نظام‌های سیاسی مبتنی بر ساختارهای سیاسی ـ حقوقی خود که برخاسته از قانون اساسی آن کشورهاست، کار حکمرانی را پیش می‌برند. در این بین، نظام‌های سیاسی از کارآمدی بیشتری برخوردارند که در آن تقسیم کار بازیگران حقوقی به خوبی صورت گرفته باشد و چرخ دنده‌های بروکراسی و حکمرانی به خوبی در کنار هم مفصل‌بندی شده باشد.

نظام جمهوری اسلامی، از جمله ساختارهای سیاسی ممتازی است که به لحاظ حقوقی می‌توان از کارآمدی آن دفاع کرد. در این ساختار شوراهایی تعبیه شده است که امر هماهنگی و تصمیم‌سازی را در عالی‌ترین سطح تصمیم‌گیری هموار کرده و بهترین فرآیند کسب بیشترین منافع ملی را در شرایط حساس طرح‌ریزی کرده است.

در این بین «شورای عالی امنیت ملی» از جایگاه ممتازی برخوردار است. مطابق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای‌عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس‌جمهور و با حضور دیگر سران قوا و جمعی از عالی‌رتبه‌ترین مسئولان سیاسی، نظامی، امنیتی کشور و دو نماینده رهبری تشکیل می‌شود. این شورا تعیین سیاست‌های دفاعی ـ امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری، هماهنگ کردن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی ـ امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی را بر عهده دارد.

نکته قابل ملاحظه آن است که متأسفانه این شورا از دو سو در طول سال‌ها و به طور خاص ماه‌های اخیر مورد هجمه قرار گرفته است. برخی شعام را نهادی موازی عنوان کرده‌اند که موجب کاهش اعتبار مجلس و دیگر نهادهای مردم‌سالار حاکمیت شده است. این در حالی است که در جمهوری اسلامی به مثابه نظام مردم‌سالار دینی، تمامی مسئولیت کشور مستقیم و غیرمستقیم به دست مردم انتخاب می‌شوند و شعام نیز از این الگو خارج نیست. ضمن آنکه اعتبار آن مستحضر به اصول قانون اساسی است.

از سویی دیگر برخی وجود چنین شورایی را محدودکننده اختیارات رهبری دانسته و معتقدند عملکرد شعام در جنگ رمضان، موجب بر زمین ماندن فرامین رهبری شده است! آنان به پیام رهبری درباره تفاهم‌نامه رؤسای‌جمهوری ایران و آمریکا اشاره می‌کنند که معظم‌له در بخشی از آن فرمودند: «بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم، ولی از باب تعهدی که رئیس‌جمهور محترم به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه آن را صادر نمودم.» این بدفهمی برخاسته از درک نکردن درست جایگاه ولایت فقیه و فرآیند تصمیم‌گیری رهبری در نظام مردم‌سالاری دینی است. در این نگاه تصویری اقتدارگرایانه از رهبری وجود دارد که گویا رهبری تصمیماتش را بدون هیچ هماهنگی و مشورتی، یک طرفه اتخاذ می‌کند و در این مسیر هیچ کس نباید ابراز نظر کند. این در حالی است که برعکس فرآیند تصمیم‌گیری در نظام الهی، فرآیندی کارشناسی شده با مشورت گرفتن از مشاوران و صاحب‌نظران امین شکل می‌گیرد که آنها با درخواست رهبری مباحث را بررسی کارشناسی می‌کنند و به عنوان مشاوران عالی در فرآیند تصمیم‌سازی نقش دارند و سرآخر این رهبری است که در مقام تصمیم‌گیر آنچه مطابق با مصالح کشور و ملت است، اتخاذ می‌کند.

جالب است بدانید که طبق قانون اساسی، مصوبات شورای‌عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست و بدون امضای ایشان از اعتباری برخوردار نیست. ضمن آنکه اعتبار کارشناسی و صاحب‌نظری شعام همواره مورد تأیید امام شهید بوده است. از نگاه ایشان «اهمیت شورای عالی امنیت ملی به دلیل حضور رئیس‌جمهور در رأس آن و همچنین حضور وزرا، کارشناسان و افراد مجرب و باتجربه و آگاه به مسائل داخلی و جریان‌های بین‌المللی در آن است.» (۱۳۸۴/۵/۲۴)

برای درک صحیح این فرآیند مشروع و مورد تأکید عقل و شرع، تعابیر رهبر شهید انقلاب اسلامی که سال‌ها پیش در جمع دولتمردان ارائه کرده‌اند، راهگشاست. ایشان می‌فرمایند: «جنگ، فرمانده می‌خواهد- ما هم که یک مقدار مختصری در جنگ بودیم می‌دانیم- منتها فرمانده شور ستادی می‌کند، یعنی هیچ‌وقت هیچ فرماندهی نیست که بدون شور ستادی همین‌طور بگوید «آقا برویم» و دنبالش راه بیفتند؛ نه، بالاخره ستاد دارند، می‌نشینند بحث می‌کنند، شور ستادی می‌کنند و کار می‌کنند، و گاهی اوقات می‌شود که نظر فرمانده با این مشورتی که با افراد ستاد می‌کند، به کلّی عوض می‌شود یعنی جور دیگری می‌شود. یعنی چیزهایی هست که جزو سُنن طبیعی و معمولی رفتارهای جمعی است؛ اینها باید رعایت بشود؛ یکی‌اش همین است که مشورت کنیم، فکر کنیم، حقوق افراد گوناگون را در نظر بگیریم و البتّه «فَاذا عَزَمتَ فَتَوَکَّل عَلَی الله» هم دنبالش هست که باید آن را هم انجام بدهیم.» (۱۳۹۷/۶/۷)

ایشان همچنین بارها از نمایندگان خود در شعام خواسته‌اند «که با توجه به نقش برجسته و ممتاز تصمیمات آن شورا در تحقّق استقلال و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بتوانید با شرکت فعالانه در آن و تبادل نظر مستمر با اینجانب، به اقتدار و استقلال نظام متعالی اسلامی کمک نمایید.»

سخن آخر که می‌تواند فصل‌الخطاب مناقشات اخیر پیرامون جایگاه شعام در نظام تصمیم‌گیری کشور باشد، تعابیری است که از زبان حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در آخرین دیدارشان با سرلشکر دکتر محسن رضایی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی به کار برده شده است. معظم‌له از شورای‌عالی امنیت ملی و دبیرخانه آن به عنوان «چهارراه تدبیر» امور کشور یاد کردند و بر اثرگذاری متقابل چهار حوزه «فرهنگ»، «سیاست»، «اقتصاد» و «امنیت» و لزوم برخورداری از پیوست‌های متناسب با تصمیم‌گیری در هر حوزه تأکید کرده‌اند.

امید که نقدهای ما از دایره انصاف خارج نشود و احیاناً موجب تضعیف اقتدار نظام اسلامی در سخت‌ترین منازعه تاریخی این سرزمین نشود و رهنمودهای رهبر عزیزمان که بر وحدت کلمه و عبور از اختلافات موجه و غیرموجه است، موجب شود تا صف متحد انقلاب اسلامی با اعتماد به مسئولان نظام اسلامی، روزافزون شود و همین اتحاد مقدس، زمینه نزول نصرت الهی را هموار گرداند. ان‌شاءالله

جنگ یمن و تغییر معادلات منطقه‌ای!

محمدرضا فرهادی
کارشناس سیاسی

جنگ عربستان علیه یمن، تأثیرات گسترده‌ای بر معادلات منطقه‌ای داشته است. این جنگ به تغییر معادلات منطقه‌ای و کارویژه‌های جدیدی در سطح منطقه‌ای منجر شده که این کارویژه‌ها معادلات را در سطح منطقه تغییر داده که مهم‌ترین آنها موارد ذیل است:

۱ـ بازیگری انصارالله در سطوح منطقه‌ای: انصارالله در این جنگ با اقدامات مهمی توانسته است معادلات را تغییر دهد. انصارالله و نیروهای یمنی با تکیه بر دو راهبرد مهم توانسته‌اند معادلات جنگ و همچنین معادلات منطقه‌ای را تغییر دهند:

الف ـ بازدارندگی فعال: بدین معنا که نیروهای یمنی و انصارالله به سمت محاصره در برابر محاصره و تشدید تنش در برابر تشدید تنش پیش رفته‌اند. این معادله به صورت جزئی‌تر شامل هدف قراردادن فرودگاه‌ها و پالایشگاه‌های مهم عربستان می‌شود. یمنی‌ها برمبنای سیاست متقابل محاصره یا تنش در برابر محاصره و تنش توانسته‌اند ضربات جبران‌ناپذیری به عربستان وارد کنند. محاصره هوایی عربستان بعد از محاصره دریایی نمود بارز فلج کردن عربستان بوده است. همچنین نیروهای یمنی صرفاً به عملیات‌های میدانی اکتفا نکرده‌اند، بلکه عملیات‌های موشکی و پهپادی نیز علیه عربستان انجام داده‌اند. این مسئله نشئت گرفته از یک جنگ ترکیبی علیه عربستان است که یمنی‌ها انجام می‌دهند. تغییر معادلات به دست یمنی‌ها برگرفته از جنگ نامتقارن است که در برابر یک ارتش مدرن و البته وابسته پیروزی‌های زیادی کسب کرده است. نیروهای یمنی باتوجه به جغرافیای منطقه، همراهی مردم و عشایر جنوب یمن که نمود آن در تعز مشاهده شد و تجربه جنگ میدانی چندساله با عربستان با تکیه بر اصول جنگ نامتقارن توانسته‌اند معادلات را تغییر داده و جنگ را برای عربستان هزینه‌زا کنند.

ب ـ استراتژی جنگ هم‌افزا و بازدارندگی فعال شبکه‌ای: جنگ هم‌افزا به معنای آن است که هم عملیات‌های نظامی در داخل یمن و هم علیه عربستان سعودی انجام می‌شود. این راهبرد به درگیری چندجبهه‌ای و عدم تمرکز بازیگر مقابل منجر می‌شود. در جنگ هم‌افزا بازیگر مقابل معمولاً توان درگیری چند جبهه‌ای را ندارد و تلاش می‌کند از ظرفیت‌های دیگری استفاده کند. این ظرفیت‌ها شامل جنگ‌نامتقارن یا استفاده از بازیگران نیابتی و همسوست. عربستان که در جنگ نامتقارن توانی ندارد، بنابراین از گزاره دوم استفاده خواهد کرد. یمنی‌ها برای مقابله با گزاره دوم، یعنی ورود بازیگران نیابتی یا همسو با عربستان، از راهبرد بازدارندگی فعال شبکه‌ای استفاده کرده است؛ یعنی یمنی‌ها با تهدید به ورود بازیگران به جنگ با یمن، یک بازدارندگی شبکه‌ای ایجاد کرده‌اند. بدین گونه که بازیگران مختلف همراه با عربستان، از پیامدهای ورود مستقیم به جنگ با یمن هراسان هستند. نمونه بارز این مسئله، مصر است که بعد از تهدیدهای انصارالله اعلام کرد قصدی برای ورود به جنگ مستقیم با یمن ندارد. در راهبرد بازدارندگی فعال شبکه‌ای، بازیگر عمل‌کننده مانع از شکل‌گیری تهدیدهای متکثر و اصطلاحاً شبکه‌های مختلف علیه خود می‌شود. این راهبرد معمولاً با تهدید معتبر نظامی امکان‌پذیر است که یمنی‌ها در این عرصه تاکنون موفقیت‌آمیز عمل کرده‌اند.

۲ـ تأثیرات انرژی‌محور: مسئله انرژی برای کشورهای غربی و منطقه‌ای بسیار مهم است. کشورهای غربی از نظر واردات و وابستگی به این مسئله و کشورهای منطقه‌ای از نظر درآمدی. جنگ یمن و تلفیق آن با بسته شدن تنگه هرمز منجر به فشارهای زیادی در سطح جهانی شده است. البته انصارالله اعلام کرده است دربرابر سیاست محاصره عربستان علیه یمن به محاصره عربستان اقدام خواهد کرد و مانع صادرات انرژی عربستان خواهد شد. اما با وجود این مسئله و هدف قرار گرفتن پالایشگاه‌ها و اماکن انرژی عربستان و تعطیلی این مراکز انرژی، این مسئله تأثیرات خود را بر روی قیمت‌های انرژی خواهد گذاشت و اثرات آن بر بازارهای جهانی مشهود خواهد بود؛ زیرا یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان نفت در سطح جهانی دچار اختلال شده است. بر اساس آمار صادرات نفت عربستان از ده میلیون بشکه در روز به سه تا چهار میلیون بشکه رسیده است.

در مجموع جنگ یمن از یک سو بار دیگر توان و اعمال قدرت انصارالله را در سطح منطقه‌ای نشان داده و ازسوی دیگر با فشار واردکردن در حوزه انرژی برخی معادلات منطقه‌ای را تغییر داده است.

روحانیت و مبارزان انقلابی!

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۲۸

مهدی سعیدی
دبیر گروه تاریخ

در تاریخ مبارزات ملت ایران علیه رژیم پهلوی، یکی از مهم‌ترین و در عین حال کم‌شناخته‌شده‌ترین لایه‌های تحولات سیاسی، پیوند میان روحانیت مبارز و تشکل‌های اسلامی ـ انقلابی بود. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به منزله یکی از روحانیون شناخته‌شده و فعال در عرصه مبارزه، تعاملات گسترده‌ای با مجموعه‌ها و تشکل‌های اسلامی- انقلابی داشتند. این تعاملات نه تنها از سوی روحانیون، بلکه از سوی تشکل‌ها نیز به شکلی فعالانه پیگیری می‌شد؛ آنان تلاش می‌کردند ارتباطات خود را با ایشان حفظ کرده و از دیدگاه‌ها و بیانات‌شان بهره بگیرند. این پیوند دوسویه، الگویی از همکاری میان نسل‌های مختلف مبارزان دینی را به نمایش می‌گذاشت. در میان گروه‌های اسلامی فعال در میدان مبارزه با رژیم پهلوی، «مؤتلفه اسلامی» جایگاه ویژه‌ای داشت. این تشکل، فعالیت خود را در ارتباط نزدیک و توأمان با روحانیت مبارز و انقلابی تعریف کرده بود و ارتباطات گسترده آنان با روحانیت اصلی و شاگردان خط امام، از ویژگی‌های ممتاز آنان به شمار می‌آمد. مؤتلفه اسلامی به عنوان یک تشکل برخاسته از بازار و با پایگاه اجتماعی سنتی و مذهبی، همواره خود را به هدایت و رهبری روحانیت وابسته می‌دانست و همین ویژگی، آن را از بسیاری از گروه‌های سیاسی آن دوران متمایز می‌کرد.

در این میان، دوستی و ارتباط آیت‌الله خامنه‌ای با آیت‌الله محمدجواد باهنر، دریچه‌ای شد تا پای ایشان نیز به مجالس مؤتلفه باز شود. این آشنایی که در سال ۱۳۳۶ شکل گرفت، به تدریج به پیوندی عمیق و کاری تبدیل شد. خود ایشان ماجرا را چنین شرح می‌دهد: «من در سال ۱۳۳۶ با مرحوم باهنر آشنا شدم و این آشنایی بعد از گذشت مدتی در سال ۳۸ ظاهراً یا ۳۹ به یک رفاقت نزدیک تبدیل شد و در جریان مبارزات هم که وارد شدیم، ایشان یک عنصر فعال بود و در سال‌های ۴۴ به بعد ارتباط ما به صورت یک پیوند کاری و مبارزاتی درآمد.» این پیوند کاری در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ به شکل مشخص‌تری بروز یافت. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید در این باره می‌گویند: «در سال ۱۳۴۴ یا ۴۵ در تهران چندین جلسه به طور مخفیانه تشکیل می‌شد که نظم این جلسات و اداره کلی آنها به عهده شهید باهنر بود.» این جلسات، ترکیبی از عناصر انقلابی و مبارز بودند؛ عمدتا از بازاری‌های بسیار مؤمن، چند نفر دانشجو و شاید یکی دو نفر اداری. ایشان تأکید می‌کنند که بیشتر حاضران از کسبه و «از بازماندگان مؤتلفه اسلامی» بودند. این جلسات مخفی، در واقع کانونی برای سازماندهی نیروهای مذهبی- انقلابی و انتقال معارف دینی و سیاسی به آنان بود.

نکته قابل توجه در این جلسات، تقسیم کار منظم میان روحانیون حاضر بود. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گویند: «مرحوم باهنر مسئول هماهنگی این جلسات و تعیین سخنرانها و مدرسینی برای این جلسات بود. یکی، دو تا از این جلسات را خودش تدریس می‌کرد، یکی، دو تایش را من تدریس می‌کردم- که ایشان به من محول کرده بود- بعضی‌اش را هم بعضی از برادران دیگرمان مثل آقای هاشمی‌رفسنجانی و بعضی دیگر اداره می‌کردند و تدریس می‌کردند.» این الگوی همکاری، نشان‌دهنده شبکه‌ای منسجم از روحانیون و نیروهای انقلابی بود که با تقسیم وظایف، نیروهای مذهبی را تربیت و سازماندهی می‌کردند. این کار مشترک که در جلسات مخفی تهران آغاز شد، به تدریج گسترش یافت و سال‌ها ادامه پیدا کرد. آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کنند: «همین‌طور کار مشترک ما ادامه پیدا کرد تا سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ که گفتم آن مسئله جهان‌بینی پیش آمد و از آنجا ارتباط ما نزدیک‌تر و ارتباطات کاری‌مان بسیار بیشتر شد.» این تداوم و تعمیق ارتباط، نشان‌دهنده اعتماد متقابل و هم‌افزایی میان روحانیت مبارز و تشکل‌های اسلامی بود که در نهایت به تقویت جبهه انقلابی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی انجامید.

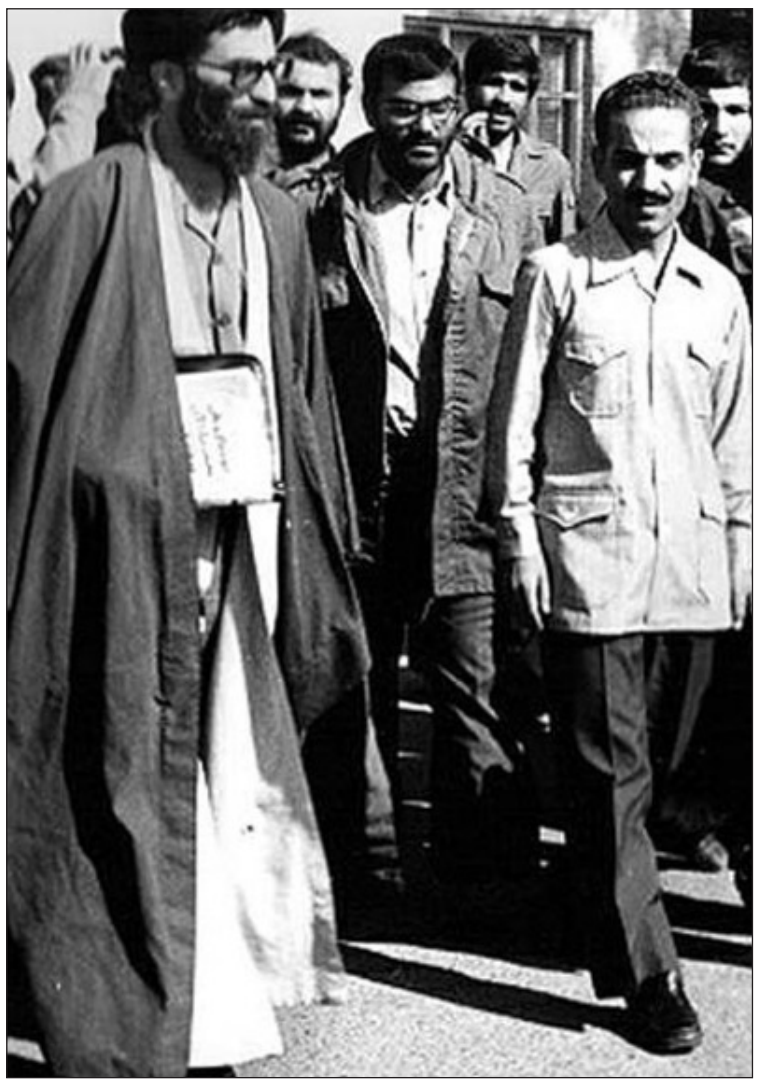

بررسی این تعاملات، تصویری روشن از پیوند عمیق روحانیت انقلابی با تشکل‌های اسلامی در دوران مبارزه با پهلوی به دست می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک روحانی فعال، نه تنها در عرصه نظری، بلکه در عمل نیز در جلسات مخفی آموزشی و سازماندهی نیروهای مذهبی حضور داشت. همکاری با شهید باهنر و دیگر روحانیون و نیروهای مؤتلفه اسلامی، نمونه‌ای از هم‌افزایی نسل‌های مختلف مبارزان دینی بود که در نهایت به شکل‌گیری شبکه‌ای منسجم از نیروهای انقلابی انجامید. این یادداشت تاریخی نشان می‌دهد پیروزی انقلاب اسلامی، حاصل پیوندی چندلایه میان روحانیت، بازار مؤمن و نیروهای دانشگاهی بود که در جلسات مخفی و با محوریت آموزش و سازماندهی، به تدریج شکل گرفت و به یک جریان قدرتمند اجتماعی تبدیل شد.

دهلیز

امام قبول نکردند!

نگاهی به اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از انقلاب

در انتخابات پنجم بهمن‌ماه ۱۳۵۸، نام هیچ روحانی‌ای در میان هفت نامزد انتخاباتی وجود نداشت! حضرت امام(ره) در مسیر حساسیت‌زدایی و مهار جوسازی‌های رسانه‌ای جریان ضدانقلاب و بیگانگان که جمهوری اسلامی را به حکومت آخوندی متهم می‌کردند، تا آنجا پیش رفت که با صراحت روحانیت را از نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری نهی کرد.

چنین تصمیمی از جانب حضرت امام(ره) حتی با اعتراض یاران ایشان، به ویژه بزرگان حزب جمهوری اسلامی همراه بود؛ زیرا این حزب آماده می‌شد آیت‌الله دکتر محمد بهشتی را به میدان رقابت وارد کند. اعضای فعال حزب به دیدار امام می‌روند تا شاید بتوانند ایشان را نسبت به حضور آقای بهشتی در انتخابات متقاعد کنند. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بعدها به این دیدار چنین اشاره دارند: «اول انقلاب خدمت امام رفتیم، برای اینکه یکی از بزرگانِ بین خودمان را به عنوان رئیس‌جمهور به امام معرفی کنیم تا امام ایشان را قبول کنند و ما بیاییم ایشان را در حزب جمهوری اسلامی به عنوان رئیس‌جمهور مطرح کنیم. امام به دلیلی قبول نکردند.»

شرح ماوقع را آقای هاشمی‌رفسنجانی چنین روایت می‌کند: «حزب، شهید بهشتی را نامزد کرده بود و ما همه برنامه‌های‌مان را با محوریت ایشان تنظیم کرده بودیم. بالاخره با پشت هم‌اندازی‌هایی که شد، شهید بهشتی را حذف کردند. این‌قدر برای ما مهم بود که من و آیت‌الله خامنه‌ای شبانه از تهران به قم رفتیم. امام معمولاً آخر شب کسی را نمی‌پذیرفتند. نمی‌خواستند وقت بدهند. امام در اندرونی بودند و ما در بیرونی بودیم. آن زمان امام در منزل آقای یزدی بودند. امام بلند شدند و به راهرو آمدند و وسط دو اتاق نشستند. ما ۲ نفر هم به راهرو رفتیم. شاید امام از قبل موضع داشتند و می‌خواستند قضیه را اینگونه به ما بفهمانند. جدی نگرفتند که مثلاً به اتاق ما بیایند و ما را به اتاق خودشان ببرند. می‌دانستند که ما برای چه چیزی آمده‌ایم. ما به امام اصرار کردیم نظرات خودمان را و اوضاع را گفتیم. ایشان نپذیرفتند. هرچه گفتیم، نپذیرفتند. برای ما سنگین بود. ما امام را دوست می‌داشتیم. ارادت می‌داشتیم، تابع بودیم و ولایت را با جان‌مان قبول کرده بودیم. گفتیم ما تسلیم هستیم ولی بدانید مشکل خواهیم داشت. شما به اندازه ما آقای بنی‌صدر و آیت‌الله بهشتی را نمی‌شناسید.»

حافظه

تبعیض ساختاری

مروری بر تاریخچه برده‌داری در غرب

«نژادپرستی» و تمایز میان سیاه و سفید و رنگین‌پوست و سفیدپوست، مسئله‌ای است که در ساختار حقوقی و فرهنگی غرب ریشه دارد. همان سفیدپوستانی که موجب آوارگی مردمان دیگر کشورها از خانه و کاشانه‌شان شده‌اند، رفتار تحقیرآمیز همراه با تبعیض جنسیتی را تا به امروز ادامه داده‌اند. برای نمونه، فهرست کارگران در مزارع آمریکایی در گذشته نشان می‌دهد که نام سیاه‌پوستان در فهرستی جداگانه نوشته می‌شد؛ جداسازی‌ای که خود نشانه‌ای از نژادپرستی نهادینه بود.

هنگامی که در سال ۱۶۴۰ سه خدمتکار اقدام به فرار کردند، دو خدمتکار سفیدپوست با طولانی‌تر شدن تعهد خدمت‌شان مجازات شدند، اما حکم دادگاه برای سومی که سیاه‌پوست بود، این بود که تا آخر عمرش برای اربابش یا هر کسی که او بگوید کار کند. در حادثه‌ای دیگر یک زن خدمتکار سیاه‌پوست فرزندی از یک سفیدپوست به نام رابرت سوئیت به دنیا آورد. دادگاه حکم کرد که «زن سیاه‌پوست باید در جایگاه مخصوص بسته شود و تازیانه بخورد» و رابرت سوئیت هم باید فردا قبل از ظهر در کلیسای جیمز تاون در انظار عمومی از این گناه خود استغفار کند. این دوگانگی آشکار در مجازات، نشان می‌دهد که نظام حقوقی خود ابزار نژادپرستی بود.

برخوردهای نابرابر و تبعیض‌آمیز همراه با تحقیر و سرکوب، نژادپرستی را در احساس و عمل به وجود آورد. حتی قبل از سال ۱۶۰۰ میلادی در انگلستان، طبق فرهنگ لغات آکسفورد، «سیاه» یعنی «عمیقاً آلوده به کثافت، گل‌آلود، کثیف، فاسد، گندیده سزاوار مجازات.» این تعریف زبانی، ریشه‌های فرهنگی نژادپرستی را آشکار می‌کند.

تا دهه‌های متمادی پس از انقلاب‌های آمریکا و فرانسه، برده‌داری همچنان تداوم داشت. ممنوعیت برده‌داری کلاسیک به طور جدی تنها در اواخر سده نوزدهم اتفاق افتاد، به‌طوری که برده‌داری پنهان و جنسی در سده بیست‌ویکم نیز ادامه دارد. بردگان سیاه در ابتدا مقاومت می‌کردند، اما نهایتاً مقاومت آنها از میان برداشته شد. آنها تحت سخت‌ترین شرایط، زجر و درد و مثله شدن و مرگ، در تمام مدت چند سده به بردگی کشیده شدن‌شان سعی کردند مبارزه خود را ادامه بدهند، اما به ندرت موفق می‌شدند.

این چرخه بی‌پایان سرکوب و مقاومت، نشان می‌دهد نژادپرستی نه یک انحراف فردی، بلکه نظامی ساختاری بود که بر پایه قانون، اقتصاد و فرهنگ بنا شده بود.

تقویم انقلاب

آمریکایی‌ها در حیرت

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران- ۲۷

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

پس از برگزاری رفراندوم نظام جمهوری اسلامی، آمریکایی‌ها موفق به ایفای نقش موردنظر خود نشدند؛ اما تلاش کردند با طرح ترفندی دیگر، از فرصت دیگری برای پیشبرد اهداف‌شان استفاده کنند. نقشه آنان این بود که گروه تروریستی موسوم به «فرقان»، شخصیت‌های مؤثر در انقلاب را هدف ترور قرار دهد و با ایجاد فضای رعب و وحشت، مانع از ورود مردم و جریان‌های سیاسی به انتخابات مجلس خبرگان و بررسی نهایی پیش‌نویس و تدوین قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی شود. در این زمینه، چند گزینه مطرح است:

۱ـ در چنین وضعیتی که جمهوری اسلامی در حال تأسیس ساختار سیاسی و حکومتی خود بود، نشریات متعددی تلاش می‌کردند فضای عمومی کشور را به‌گونه‌ای رقم بزنند که انتخابات مجلس خبرگان به تأخیر بیفتد و گروه‌های سیاسی موردنظرشان فرصت بیشتری به دست آورند و برای حضور در انتخابات آمادگی پیدا کنند تا بتوانند ابتکار عمل را در دست بگیرند؛ اما امام راحل خیلی سریع دست آنان را خواند و با این مضمون اعلام کرد: «بوی توطئه می‌آید» و اصلاً اجازه نداد انتخابات حتی برای چند روز به تأخیر بیفتد.

۲ـ جریان‌های هوادار غرب و آمریکا به ترفند دیگری دست زدند و آن، این بود که عناصری را که می‌توانستند حافظ منافع غرب باشند، وارد انتخابات کردند تا از طریق آنان در جهت جعل قانون به نفع غرب و آمریکا اقدام و موضع‌گیری کنند. شاهد ورود افرادی مانند مقدم مراغه‌ای، ابوالحسن بنی‌صدر بودیم که چگونه با اصل مترقی ولایت فقیه مخالفت کردند و مواضع خود را به نفع غرب توجیه می‌کردند؛ اما این اقدامات با مدیریت بسیار خوب شهید بهشتی خنثی شد.

۳ـ در همان ایام، انتخابات با مشارکت مردم برگزار شد و حتی پس از پایان انتخابات، در آستانه افتتاح مجلس خبرگان، گروه‌های تجزیه‌طلب در استان‌های مرزی ایران، به‌ویژه کردستان، اقدام به آشوب و بلوا کردند. هر گروهک تروریستی به‌نحوی به اقدامات خود ادامه می‌داد؛ برای نمونه، گروهک فرقان با ترور شخصیت‌های مؤثر انقلاب، آنان را هدف گلوله قرار می‌داد؛ از جمله شهیدان سپهبد قرنی، استاد مطهری، حاج مهدی عراقی و... .

۴ـ گروهک‌های تجزیه‌طلب و تروریستی در این فرصت در شهرهای کردنشین تمرکز کردند. احزابی مانند حزب دموکرات و گروهک کومله به سپاه شهر مریوان حمله کردند و پاسداران بومی را سر بریدند.

۵ـ همه این فتنه‌ها و آشوب‌ها برای این بود که امام خمینی (ره) از موضع خود عقب‌نشینی کند؛ اما ایشان، برعکس، موضعی تند و انقلابی اتخاذ کردند و چنان تحولاتی در مردم به وجود آوردند که گویی همه مردم ایران از جای خود برخاستند. در همین راستا، پیام شکسته شدن حصر پاوه در تاریخ ۲۸ مردادماه صادر شد. ایشان چنان حکمی صادر کردند که همه تجزیه‌طلبان و ضدانقلاب‌ها در کمترین فرصت از ایران فرار کردند و به استان‌ها و کوه‌های کشور عراق پناه بردند و آمریکا، غرب، شوروی و کشورهای عربی همگی در حیرت ماندند.

پاسدار
شماره ۱۲۶۰ | دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵
صبح صادق

قبلیه عشق

فرزند رمضان

رمضان با وجود شرایط سخت، بر انجام وظیفه تأکید داشت. حساسیت او به کار به قدری بود که می‌گفت: «تعهد دارم که بروم و کارم را انجام بدهم.» همین جمله، نشان‌دهنده روحیه‌ای بود که در وجود رمضان شکل گرفته بود؛ روحیه‌ای که مسئولیت را بر آسایش شخصی ترجیح می‌داد. به قول حاج قاسم سلیمانی، «کسی که شهید نبود، شهید نمی‌شود؛ شرط شهید شدن، شهید بودن است.» رمضان در تمام ۲۹ سال زندگی‌اش، شهیدوار زندگی کرد؛ از نگاه پاک و رفتار صادقانه‌اش گرفته تا گفتار و منش انسانی‌اش، نشانه‌هایی از یک زندگی الهی در وجودش دیده می‌شد.

درست است که می‌گویند خداوند برخی بندگانش را برای شهادت آماده می‌کند. مدتی قبل از شهادتش، رمضان بارها در خانه از شهادت سخن می‌گفت. به من می‌گفت: «من شهید می‌شوم، پلاکم را برای‌تان می‌آورند.» آن روزها شاید درک این حرف‌ها برای‌مان سخت بود، اما امروز که به گذشته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که خودش از رسیدن به آرزویش خبر داشت.

در جریان جنگ ۱۲ روزه، با وجود اینکه پسرمان تازه به دنیا آمده بود و می‌توانست از مرخصی استفاده کند، اما این کار را نکرد. تنها دو روز بعد از اینکه فرزندمان را از بیمارستان به خانه آوردیم، راهی محل کار شد و گفت: «الان زمان جنگ است، به من احتیاج دارند؛ اگر شرایط عادی بود شاید نیازی به حضور من نبود، اما امروز باید باشم.»

در تمام روزهای زندگی مشترک‌مان، رمضان اجازه نداد چیزی در دلم بماند. آنقدر با محبت و عشق با من رفتار کرد که امروز وقتی به آن روزها فکر می‌کنم، بیشتر به این حقیقت می‌رسم که همسر من واقعاً شهیدانه زندگی کرد.

رمضان همیشه حرمت پدر و مادر و خانواده را نگه می‌داشت. هرچند فرصت پدری کردن برای پسرمان محمدمهرسام کوتاه بود، اما همان مدت کم، پر از عشق و محبت بود.

در بازسازی آستان مقدس امامزاده جعفر(ع) نیز با عشق و ارادت حضور داشت و برای آبادانی این مکان متبرک تلاش می‌کرد.

آنقدر پاک و خالص زندگی کرد که خداوند تولدش را در ماه مبارک رمضان قرار داد و شهادتش را نیز در همان ماه رقم زد؛ گویی تقدیر الهی برای او از ابتدا با عطر رمضان و بندگی گره خورده بود.

به نقل از همسر شهید رمضان منتشلو

شهید رمضان منتشلو در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۷۰ در شهرستان قروه دیده به جهان گشود. وی پس از سال‌ها مجاهدت و خدمت، در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ در جریان حمله رژیم آمریکایی-صهیونیستی به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

دستور فرمانده معظم کل قوا به فرماندهان ارشد نظامی

پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی

فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا دیدار کردند.

رهبر معظم انقلاب در این دیدار، «آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابله پرقدرت با دشمنان» را از الزامات «بازدارندگی حداکثری» دانستند و مقرر کردند هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود.

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای تصریح کردند: «اگر دشمنان مجدداً حملات نظامی یا تروریستی را شروع کنند، این نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین می‌کنند.»

فرمانده‌کل قوا همچنین بر تقویت معماری اطلاعات نظامی، تعمیق دفاع بومی در دو حوزه «دکترین» و «تاکتیک»، رشد توانمندی‌های روزآمد دفاعی و امنیتی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تقویت بنیه معنوی و روحیه جهادی، هم‌زمان با تلاش بی‌وقفه برای تأمین نیازهای معیشتی و پشتیبانی از نیروهای مسلح، تأکید کردند.

در بخش دیگری از تدابیر فرمانده‌کل قوا مقرر شد بانک اهداف به‌نحوی به‌روزرسانی شود که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونی در تیررس نیروهای مسلح قرار گیرد.

ایشان حمایت ملی از نیروهای مسلح را از ارکان بازدارندگی در برابر بیگانگان ایران‌ستیز و مزدوران داخلی آنها دانستند و اضافه کردند: «حضور هشت ماهه ملت مبعوث در میادین، امتدادبخش دفاع مقدس هشت ساله است که به‌موازات پایمردی نیروهای نظامی، انتظامی و بسیجی، از تمامیت سرزمینی ایران و نظام اسلامی حفاظت کرده است و خواهد کرد.»

رهبر معظم انقلاب، با قدردانی از استواری هوشمندانه جبهه مقاومت در کشورهای مختلف، وحدت ساحات را متغیری تعیین‌کننده با تأثیر راهبردی در شکل‌دهی به نظم جدید سیاسی و امنیتی در غرب آسیا دانستند و ابراز امیدواری کردند: «این نظم جدید زمینه روزافزون اتحاد ملّت‌ها و دولت‌های اسلامی را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم کند.»

سردار سرلشکر عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح، امیر سرلشکر حاتمی، فرمانده‌کل ارتش، و سردار سرلشکر وحیدی، فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در دیدار با فرمانده‌کل قوا، ضمن ارائه گزارش‌هایی از وضعیت آمادگی مدافعان کشور در سواحل خلیج فارس، مناطق عملیاتی تنگه هرمز، دریای عمان و مرزهای شمال غرب و جنوب شرق کشور، گزارشی نیز از تولید چندبرابری انواع مهمّات و سلاح‌های شناسایی، پشتیبانی و رزمی به استحضار ایشان رساندند.

فرمانده‌کل قوا، ضمن اظهار خرسندی از فعالیت‌های انجام‌شده، از فرماندهان ارشد نظامی خواستند مراتب تشکر و رضایت ایشان را به اطلاع کلیه نیروهای نظامی، انتظامی، بسیجی و کارکنان این سازمان‌ها و وزارت دفاع و خانواده‌های معزز‌شان برسانند.

جانشین فرمانده کل سپاه

انقلاب اسلامی با قدرت به راه خود ادامه می‌دهد

جانشین فرمانده کل سپاه، تجزیه ایران، نابودی توان موشکی و هسته‌ای را از اهداف دشمن در جنگ رمضان برشمرد.

«سرلشکر مصطفی ایزدی» جانشین فرمانده کل سپاه در اختتامیه دومین‌کنگره ۴ هزار شهید استان گلستان با اشاره به سخنان رهبر شهید درباره اهداف دشمن اظهار کرد: «موضوع هسته‌ای و حقوق بشر بهانه است؛ دشمن به دنبال دین و دانش ماست و نمی‌خواهد انقلاب اسلامی با پیوند میان معنویت و حکومت، مسیر خود را ادامه دهد.»

جانشین فرمانده کل سپاه با اشاره به تداوم انقلاب اسلامی در شرایط جنگ، محاصره، تحریم و فشارهای تبلیغاتی گفت: «انقلاب اسلامی با محوریت ولایت فقیه و برخورداری از پشتوانه مردم توانسته است پایداری خود را حفظ کند و نشان دهد حکومتی که بر پایه این مبنا و حمایت مردمی شکل گرفته، می‌تواند برای ملت‌های دیگر نیز الگو باشد.»

وی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه، اظهار کرد: «دشمن در حالی از مذاکره سخن می‌گفت که جنگ خود را در همان فضای مذاکره آغاز کرد و در ادامه برای برقراری آتش‌بس درخواست داد. این اتفاق، از نگاه ما، ماهیت رفتار دشمن را آشکار کرد.»

جانشین فرمانده کل سپاه همچنین حوادث ۱۸ و ۱۹ دی ماه را از جمله رخدادهایی دانست که دشمن در شکل‌گیری و هدایت آنها نقش داشته است و افزود: «دشمنان نیز از ارسال عوامل از بیرون برای ایجاد اغتشاش در منطقه سخن گفته‌اند.»

وی با اشاره به جنگ رمضان و اهداف اعلامی دشمن، اظهار کرد: «در این نبرد، یک طرف جبهه ایمان و نور قرار دارد و طرف دیگر، جبهه ظلمت به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی است. تفاوت این دو جبهه را باید در رفتار و عملکرد آنها مشاهده کرد.»

ایزدی با انتقاد از عملکرد رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان، گفت: «این رژیم، بیش از ۷۰ هزار زن، کودک، جوان، سالمند و دیگر غیرنظامیان را در غزه به خاک و خون کشیده و خانه‌های بسیاری را ویران کرده است. اقدامات آمریکا نیز در همین چارچوب و مبتنی بر اندیشه لیبرالیستی غرب است.»

جانشین فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه دشمن از توطئه‌های خود دست نکشیده است، گفت: «باید هوشیار و آماده باشیم. اگر مردم حضور پرقدرت خود را در میدان‌ها حفظ کنند، دشمن نمی‌تواند در شهرها و مناطق مختلف اهداف خود را پیش ببرد و در چنین شرایطی رزمندگان اسلام نیز با قدرت در میدان‌های دفاع از کشور و شرف ملت ایستادگی خواهند کرد.»

گزارشی از توانمندی «لوله گستر اسفراین» در صنعت نفت و گاز

مقاومت صنعتی در وضعیت جنگی

ایران در طول سال‌های گذشته و به‌ویژه در مواجهه با فشارهای بیرونی و وضعیت ناشی از جنگ و تحریم، نه‌تنها از اقدامات تأسیساتی، فنی و زیربنایی خود عقب‌نشینی نکرده، بلکه با همان قدرت و صلابت سابق روند رشد و پیشرفت صنعتی کشور را ادامه داده است. تجلی عینی این خوداتکایی و ایستادگی فنی را می‌توان در مجموعه‌های بزرگ تولیدی کشور دید؛ مجموعه‌هایی که شریان‌های حیاتی صنایع مادر را فعال نگه داشته‌اند. یکی از شاخص‌ترین این شرکت‌ها «لوله گستر اسفراین» است که در ادامه نگاهی جامع به نقش راهبردی آن خواهیم داشت.

شرکت لوله گستر اسفراین یکی از مجموعه‌های صنعتی مهم ایران در زمینه تولید لوله‌های فولادی بدون درز است. این شرکت در شهرستان اسفراین استان خراسان شمالی قرار دارد و محصولاتش عمدتاً در صنایع نفت، گاز و حفاری چاه‌های نفت و گاز به کار می‌روند. این مجموعه در فهرست شرکت‌های مرتبط با سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) معرفی شده است.

تاریخچه شرکت

کارخانه لوله گستر اسفراین با هدف تأمین نیاز صنایع نفت و گاز کشور به لوله‌های تخصصی تأسیس شد. بر اساس اطلاعات منتشرشده، سال تأسیس شرکت ۱۳۷۴ است و بر پایه گزارش خبری تسنیم، کارخانه در سال ۱۳۸۳ به بهره‌برداری رسمی رسید. درباره ظرفیت تولید، در گزارش‌های مختلف ارقام متفاوتی ذکر شده است؛ از جمله ظرفیت اسمی اولیه ۱۲۰ هزار تن در سال و تولید سالانه حدود ۸۰ هزار تن در یک معرفی صنعتی. این ارقام الزاماً نشان‌دهنده تولید فعلی کارخانه نیستند و صرفاً تصویری از ظرفیت‌های طراحی‌شده در دوره‌های مختلف به دست می‌دهند.

محصولات شرکت

محصولات اصلی این مجموعه صنعتی را لوله‌های فولادی بدون درز (Seamless) تشکیل می‌دهند؛ تجهیزاتی استراتژیک که به عنوان شریان‌های حیاتی در مراحل مختلف استخراج تا انتقال در صنعت نفت و گاز به کار گرفته می‌شوند.

۱ـ لوله‌های جداری (Casing): درون چاه‌های نفت و گاز نصب می‌شوند تا دیواره چاه را تثبیت کنند و از ریزش آن جلوگیری کنند.

۲ـ لوله‌های مغزی (Tubing): در داخل چاه قرار می‌گیرند و برای انتقال نفت و گاز از مخزن به سطح استفاده می‌شوند.

۳ـ لوله‌های جریانی (Line Pipe): برای انتقال سیالات در بخش‌های مختلف تأسیسات نفت و گاز به کار می‌روند.

۴ـ لوله‌های فولادی ساده کربنی و کم‌آلیاژ: بسته به مشخصات فنی، در کاربردهای صنعتی و خطوط تولید تخصصی استفاده می‌شوند.

تکیه بر خودباوری و اقتصاد مقاومتی

اهمیت این شرکت راهبردی را باید در دو سطح فنی و کلان بررسی کرد؛ جایی که تولید لوله‌های تخصصی بدون درز (جداری، مغزی و جریانی)، کشور را از وابستگی وارداتی رهانیده و سد محکمی در برابر فشارها ایجاد کرده است.

فراتر از خودکفایی در تأمین تجهیزات حیاتی حفاری، این مجموعه با ایجاد اشتغال پایدار در خراسان شمالی، موتور محرک توسعه منطقه‌ای است. بومی‌سازی دانش فنی تولید این محصولات، سرمایه‌ای ارزشمند برای صنعت فولاد و نفت به شمار می‌رود که روح «ما می‌توانیم» را در کالبد صنعت کشور می‌دمد. در واقع، این روند مصداق عینی تبدیل «وابستگی وارداتی» به «خوداتکایی صنعتی» است.

با این همه، پایداری این سنگر تولیدی در گرو نگاه حمایتی دولت است. چالش‌هایی نظیر تأمین مواد اولیه، نوسان هزینه‌های انرژی، کمبود سرمایه در گردش و سایه سنگین رقابت با واردات، موانعی هستند که رفع آنها نیازمند سیاست‌گذاری‌های دقیق در چارچوب اقتصاد مقاومتی است. حمایت از لوله‌گستر، صرفاً یاری به یک کارخانه نیست؛ بلکه صیانت از استراتژیک‌ترین شریان‌های اقتصادی کشور در برابر تکانه‌های خارجی است.

بررسی دلایل افزایش قیمت نفت در گفت‌وگوی صبح صادق با کارشناس اقتصادی

هزینه جنگ با ایران!

ساحل عباسی
خبرنگار

حالی که نگرانی‌ها درباره احتمال گسترش تنش‌های نظامی همچنان ادامه دارد، بار دیگر توجه تحلیلگران را به عوامل بنیادی بازار انرژی جلب کرده است. «احمد صالحی» کارشناس و تحلیلگر اقتصادی معتقد است رشد قیمت نفت به بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه را نمی‌توان صرفاً به احتمال وقوع جنگ نسبت داد؛ بلکه بازگشت تقاضای چین، وضعیت ذخایر راهبردی، محدودیت‌های پالایشی و تحولات ژئوپلیتیکی، در کنار فشارهای اقتصادی داخل آمریکا، در شکل‌گیری این روند نقش داشته‌اند. وی در این باره به چند پرسش ما پاسخ داده است که در ادامه می‌خوانید

آقای دکتر! به نظرتان افزایش جهانی قیمت نفت در وضعیت کنونی تابع چه عواملی است؟ ارزیابی شما از احتمال جنگ در وضعیت کنونی چیست؟

برای تحلیل احتمال وقوع جنگ باید مجموعه‌ای از عوامل سیاسی و اقتصادی را در کنار یکدیگر بررسی کرد. در شرایط فعلی، وضعیت سیاسی دونالد ترامپ و چشم‌انداز انتخابات آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرگونه اقدام نظامی پرهزینه یا تصمیم سیاسی اشتباه می‌تواند بر موقعیت انتخاباتی او تأثیر منفی بگذارد و حتی نتیجه انتخابات را تغییر دهد. از این منظر، نمی‌توان منافع انتخاباتی ترامپ را از تصمیمات امنیتی و نظامی آمریکا جدا کرد. رژیم صهیونیستی و به ویژه نتانیاهو نیز در محاسبات خود ناگزیرند شرایط سیاسی واشنگتن و پیامدهای احتمالی اقدامات نظامی را در نظر بگیرند. بنابراین، ارزیابی من این است که احتمال اقدام نظامی گسترده در چنین وضعیتی پایین است؛ هرچند نمی‌توان احتمال تشدید تنش‌ها یا وقوع تحولات پیش‌بینی نشده را به طور کامل منتفی دانست.

اگر احتمال وقوع جنگ گسترده را پایین می‌دانید، پس دلیل افزایش قیمت نفت به بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه چیست؟

نکته مهم این است که بازار نفت صرفاً بر اساس وقوع یا عدم وقوع جنگ حرکت نمی‌کند. طی سه تا چهار هفته اخیر، مجموعه‌ای از عوامل بنیادی به صورت هم‌زمان بر بازار اثر گذاشته‌اند و همین هم‌گرایی می‌تواند افزایش قابل توجه قیمت‌ها را توضیح دهد. یکی از این عوامل، وضعیت ذخایر راهبردی نفت است. آمریکا در دوره‌های گذشته برای مدیریت قیمت‌ها و جبران اختلال در عرضه، از ذخایر راهبردی خود استفاده کرده است. بااین‌حال، برداشت از این ذخایر نمی‌تواند به صورت نامحدود ادامه پیدا کند؛ زیرا ذخایر راهبردی برای مواجهه با بحران‌های جدی طراحی شده‌اند و کاهش آنها، توان دولت‌ها برای واکنش به شوک‌های بعدی را محدود می‌کند. در ارقامی که درباره ذخایر نفتی آمریکا مطرح شده، به کاهش موجودی از حدود ۴۱۵ میلیون بشکه به ۲۸۰ میلیون بشکه اشاره می‌شود. البته برای تأیید این ارقام و تعیین بازه زمانی دقیق آنها باید به آمار رسمی مراجعه کرد. مسئله اصلی این است که حتی استفاده از ذخایر راهبردی نیز نتوانسته است به تنهایی قیمت نفت را به زیر ۱۰۰ دلار بازگرداند. این موضوع نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها صرفاً ناشی از نگرانی‌های سیاسی نیست و عوامل مربوط به عرضه و تقاضا نیز نقش مهمی در آن دارند.

نقش تقاضای چین در افزایش قیمت نفت به چه میزان است؟

چین یکی از بازیگران اصلی بازار جهانی نفت است و تغییرات تقاضای این کشور می‌تواند بر توازن بازار تأثیر بگذارد. هنگامی که تقاضای چین دوباره تقویت می‌شود، بازار باید خود را با نیاز بیشتر این کشور به نفت خام و فرآورده‌های نفتی تطبیق دهد. اگر این افزایش تقاضا هم‌زمان با محدودیت عرضه، کاهش ذخایر یا مشکلات پالایشی اتفاق بیفتد، اثر آن بر قیمت‌ها بیشتر خواهد شد. در واقع، بازار نفت زمانی با فشار جدی مواجه می‌شود که چند عامل در یک جهت حرکت کنند؛ یعنی تقاضا افزایش یابد، امکان عرضه بیشتر محدود باشد و ذخایر نیز نتوانند به میزان کافی کمبود احتمالی را جبران کنند. به همین دلیل، بازگشت تقاضای چین را باید یکی از متغیرهای مهم در تحلیل قیمت‌های فعلی نفت دانست؛ البته میزان تأثیر آن باید با داده‌های واقعی مصرف و واردات این کشور سنجیده شود.

در کنار چین، تشکیل ذخایر راهبردی از سوی کشورهای دیگر چه تأثیری بر بازار خواهد داشت؟

تشکیل ذخایر راهبردی به این معناست که کشورها بخشی از نفت مورد نیاز خود را برای استفاده در وضعیت اضطراری نگهداری می‌کنند. اگر کشورهای بیشتری به این نتیجه برسند که باید ذخایر راهبردی خود را افزایش دهند، ممکن است تقاضای اضافی برای خرید نفت در بازار ایجاد شود. در چنین وضعیتی، حتی اگر مصرف نهایی نفت تغییر چشمگیری نداشته باشد، خرید برای ذخیره‌سازی می‌تواند در کوتاه‌مدت بر توازن عرضه و تقاضا اثر بگذارد. این مسئله به ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بازار با نگرانی‌های ژئوپلیتیکی یا محدودیت‌های عرضه روبه‌رو باشد. در تحلیل‌های مطرح شده، به تصمیم برخی کشورها از جمله هند و آفریقای جنوبی برای تقویت ذخایر نفتی اشاره می‌شود. البته برای ارزیابی دقیق اثر این تصمیمات، باید مشخص شود که کدام کشورها برنامه جدیدی را تصویب کرده‌اند، چه حجمی از نفت خریداری می‌کنند و این خریدها در چه بازه زمانی انجام می‌شود.

به نظرتان شرایط پالایشگاه‌ها و تغییر زمان تعمیرات آنها نیز در افزایش قیمت نفت نقش دارد؟

بله، وضعیت پالایشگاه‌ها یکی دیگر از متغیرهای مهم بازار است. تعمیرات اساسی پالایشگاه‌ها یا به تعویق افتادن برنامه‌های نگهداری و بازسازی برخی واحدها می‌تواند الگوی تقاضا برای نفت خام و عرضه فرآورده‌های نفتی را تغییر دهد. برای نمونه، اگر فعالیت پالایشگاه‌ها در یک دوره افزایش پیدا کند، تقاضا برای نفت خام مورد استفاده در فرایند پالایش نیز ممکن است بیشتر شود. از سوی دیگر، توقف یا کاهش فعالیت برخی واحدهای پالایشی می‌تواند عرضه فرآورده‌هایی، مانند بنزین و گازوئیل را محدود کند و بر قیمت این محصولات اثر بگذارد. در آمریکا نیز وضعیت فعالیت پالایشگاه‌ها و زمانبندی تعمیرات آنها از عواملی است که باید در تحلیل بازار انرژی مورد توجه قرار گیرد. با این حال، برای تعیین سهم دقیق این عامل در افزایش اخیر قیمت نفت، بررسی آمار عملیاتی پالایشگاه‌ها، میزان بهره‌برداری از ظرفیت تولید و وضعیت موجودی فرآورده‌ها ضروری است.

تحولات جنگ روسیه و اوکراین و حملات به زیرساخت‌های انرژی چه تأثیری بر بازار دارند؟

تحولات نظامی در مناطق تولیدکننده یا مصرف‌کننده انرژی می‌تواند از مسیرهای مختلف بر بازار اثر بگذارد. حمله به زیرساخت‌های نفتی و پالایشی، اختلال در حمل‌ونقل یا افزایش خطر فعالیت در مسیرهای صادراتی، همگی می‌توانند عرضه را محدود کنند یا دست کم نگرانی درباره تداوم عرضه را افزایش دهند. در جنگ روسیه و اوکراین نیز آسیب به زیرساخت‌های انرژی و پالایشی می‌تواند بر عرضه فرآورده‌ها و جریان تجارت نفت اثرگذار باشد. باید توجه داشت که بازار نفت خام و بازار فرآورده‌هایی، مانند گازوئیل و بنزین کاملاً یکسان نیستند؛ گاهی اختلال در پالایش و عرضه فرآورده‌ها موجب افزایش قیمت این محصولات می‌شود، حتی اگر تغییر قیمت نفت خام به همان اندازه نباشد. همچنین، احتمال تشدید تنش‌ها در مسیرهای راهبردی انتقال نفت و مناطق حساس انرژی می‌تواند به افزایش ریسک بازار منجر شود. در چنین فضایی، معامله‌گران علاوه بر شرایط فعلی عرضه، احتمال بروز اختلال در آینده را نیز در قیمت‌ها لحاظ می‌کنند.

فشارهای اقتصادی که در آمریکا وجود دارد، می‌تواند چه ارتباطی با بازار نفت و تصمیمات سیاسی این کشور داشته باشد؟

به هر حال وضعیت اقتصادی داخلی آمریکا می‌تواند بر تصمیمات سیاسی و میزان تحمل دولت در برابر افزایش قیمت انرژی اثر بگذارد. نرخ بهره، هزینه تأمین مالی خانوارها، بدهی‌ها و وضعیت مصرف‌کنندگان از جمله متغیرهایی هستند که باید در این زمینه بررسی شوند. برای نمونه، بالا بودن نرخ بهره کارت‌های اعتباری می‌تواند فشار مالی بر خانوارها را افزایش دهد و قدرت خرید آنها را کاهش دهد. در این میان، افزایش قیمت بنزین و گازوئیل نیز ممکن است هزینه رفت و آمد و حمل‌ونقل کالا و تولید محصولات کشاورزی را بالا ببرد. البته باید میان نرخ بهره کارت‌های اعتباری و نرخ تورم تفاوت قائل شد؛ این دو شاخص ماهیت متفاوتی دارند و مقایسه آنها به‌تنهایی نمی‌تواند وضعیت اقتصاد آمریکا را توضیح دهد. بااین حال، هنگامی که خانوارها با هزینه بالای تأمین مالی و افزایش هزینه‌های انرژی مواجه می‌شوند، فشار اقتصادی بر آنها تشدید خواهد شد. این شرایط می‌تواند برای دولت آمریکا، به ویژه در آستانه انتخابات، اهمیت سیاسی پیدا کند؛ زیرا افزایش هزینه سوخت به سرعت در زندگی روزمره مردم احساس می‌شود.

با توجه به مجموعه این عوامل، آیا می‌توان گفت افزایش قیمت نفت در هفته‌های اخیر بدون وقوع جنگ گسترده نیز امکان‌پذیر است؟

بله؛ نکته اصلی همین است. برای توضیح افزایش قیمت نفت به بیش از ۱۱۰ دلار، لزوماً نیازی نیست وقوع یک جنگ گسترده را فرض کنیم. چند عامل بنیادی و ژئوپلیتیکی می‌توانند به طور هم‌زمان بر بازار اثر بگذارند و در مجموع قیمت‌ها را افزایش دهند. بازگشت تقاضای چین، احتمال خرید بیشتر برای ذخیره‌سازی راهبردی، محدودیت‌های پالایشی، وضعیت موجودی نفت و فرآورده‌ها و نگرانی از اختلال در عرضه، همگی در این معادله نقش دارند. تحولات روسیه و اوکراین و خطر تشدید تنش‌ها نیز می‌تواند به این عوامل اضافه شود. در چنین وضعیتی، حتی بدون وقوع یک درگیری نظامی گسترده، بازار ممکن است با افزایش قیمت مواجه شود؛ زیرا قیمت نفت فقط بازتاب وضعیت امروز نیست، بلکه انتظارات درباره عرضه و تقاضای آینده را نیز منعکس می‌کند. در مجموع، ارزیابی من این است که افزایش اخیر قیمت نفت را باید نتیجه هم‌زمانی چند متغیر دانست. برای پیش‌بینی مسیر آینده نیز لازم است تحولات سیاسی آمریکا، وضعیت تقاضای چین، میزان ذخایر راهبردی، شرایط پالایشگاه‌ها و روند عرضه جهانی به صورت مستمر بررسی شود. نباید تمام افزایش قیمت نفت را به احتمال جنگ نسبت داد؛ همان‌طور که نمی‌توان نقش ریسک‌های ژئوپلیتیکی را در این بازار نادیده گرفت.

یادداشت

سیاست‌های ارزی و گرانی!

سید فرزاد طلاکش
دبیر فدراسیون طیور کشور

افزایش هزینه نهاده‌های دامی، مشکلات تأمین سوخت و انرژی و اجرا نشدن وعده‌های حمایتی دولت، وضعیت دشواری را برای مرغداران رقم زده است؛ به نحوی که قیمت تمام‌شده تولید مرغ زنده به بیش از ۲۷۰ هزار تومان در هر کیلوگرم رسیده است. موضوعی که تداوم آن می‌تواند تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را با مشکلات جدی مواجه کند و در صورت اصلاح نشدن شرایط، باید انتظار افزایش قیمت مرغ در ماه‌های آینده را داشت. مرغداران بر اساس جوجه‌ریزی و قیمت‌های حدود دو ماه قبل برنامه‌ریزی کرده‌اند، اما افزایش ناگهانی قیمت‌ها، آنها را ناگزیر به اصلاح راهبردهای تولید و فروش کرده است که تداوم این روند به وضعیت بازار و عوامل مؤثر بر هزینه‌های تولید بستگی دارد.

در این میان، افزایش قیمت اقلام مصرفی صنعت طیور، از جمله نهاده‌ها و مکمل‌ها، از مهم‌ترین عوامل افزایش هزینه‌های تولید است. مشکلات تأمین سوخت و انرژی و هزینه‌های بالای استفاده از ژنراتور و خرید گازوئیل از خارج نیز فشار مضاعفی بر صنعت تولید مرغ وارد کرده است.

لذا با توجه به وضعیت فعلی، قیمت تمام شده هر کیلوگرم مرغ زنده در مرغداری‌ها کمتر از ۲۷۰ هزار تومان برآورد نمی‌شود. در حال حاضر، قیمت هر کیلوگرم دان یا همان خوراک مرغداری‌ها حدود ۹۵ هزار تومان است و از طرفی سهم دان در مجموع هزینه‌های تولید یک کیلوگرم مرغ به چیزی حدود ۷۰ درصد قیمت تمام شده می‌رسد. خب در چنین وضعیتی، طبیعی است که قیمت مرغ افزایش یابد.

این در حالی است که قبل از دی ماه ۱۴۰۴، قیمت هر کیلوگرم دان آماده مرغداری‌ها حدود ۱۶ هزار تومان بود، اما اکنون با تغییر سیاست‌های ارزی دولت و شرایط تأمین ارز و افزایش هزینه‌ها، قیمت دان افزایش چشمگیری پیدا کرده است. این تغییرات موجب شده قیمت مرغ نتواند مطابق پیش‌بینی‌های انجام‌شده درباره نرخ ارز و شرایط بازار، به تعادل مورد انتظار برسد.

زمانی که هزینه‌های تولید به صورت ناگهانی افزایش پیدا می‌کند، اما سازوکار بازار امکان جبران این هزینه‌ها را فراهم نمی‌کند، مرغدار با مشکلات جدی در تأمین سرمایه در گردش و ادامه فعالیت مواجه می‌شود.

از طرفی دولت در دی‌ماه وعده‌هایی از جمله تسویه بدهی‌های ارزی به واردکنندگان نهاده‌های دامی را مطرح کرد که حجم آن حدود چهار میلیارد یورو عنوان شده بود، اما این وعده‌ها تاکنون عمدتاً اجرایی نشده است و مطالبات واردکنندگان نهاده‌های دامی به بیش از ۲۰ ماه رسیده و وعده حمایت از نقدینگی فعالان این حوزه نیز با اینکه رئیس‌جمهور دوبار دستور صریح برای انجام تسویه داده، تاکنون به طور کامل محقق نشده است.

بی‌تردید واردکنندگان نهاده نیز تحت فشار شدیدی قرار دارند، دارندگان سرمایه‌های پایین دچار چالش‌های جدی شده‌اند؛ به نحوی که تا پایان سال شاهد آثار منفی طلبکاری و عدم تاب‌آوری این حوزه در سفره مردم خواهیم بود که طبیعتاً دولت از امروز باید به فکر این موضوع باشد.

منهای نفت

۵۰۰ هزار تن

بر اساس اظهارات استاندار و رئیس جهاد کشاورزی مازندران، این استان با تولید سالانه ۳/۵ میلیون تن مرکبات، ظرفیت عظیمی در تأمین نیاز داخلی و ارزآوری دارد. هدف‌گذاری صادرات ۵۰۰ هزار تن مرکبات به بازارهای خارجی در کنار ثبت رکوردهایی، مانند صادرات ۳۲ هزار تن نارنگی به کشورهای اوراسیا و ۱۵ هزار تن کیوی به هند و ازبکستان، نشان‌دهنده ظرفیت بالای کشاورزی منطقه در جهش صادرات غیرنفتی است. حمایت از تولیدکنندگان، تسهیل عرضه داخلی و توسعه بازارهای صادراتی این محصولات، ضمن ارزآوری ارزشمند برای کشور، نقشی کلیدی در ایجاد اشتغال پایدار و رونق اقتصادی مازندران ایفا می‌کند.

شاخص

نبرد هرمز در آمریکا!

جهش قیمت بنزین و سوخت گرمایشی در آمریکا، هزینه جنگ ایران را به انتخابات کنگره کشاند. افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی در آمریکا، در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و سیاسی دولت دونالد ترامپ تبدیل شده است؛ به‌طوری که قیمت بنزین در این کشور طی یک سال گذشته ۳۴/۲ درصد و قیمت سوخت گرمایشی ۷۴/۲ درصد افزایش یافته است. بر اساس داده‌های شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا در ۱۴ اکتبر، سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در این کشور طی ۱۲ ماه گذشته ۳/۷ درصد افزایش داشته است؛ رشد قیمت انرژی فشار قابل توجهی بر هزینه زندگی خانوارهای آمریکایی وارد کرده است.

افزوده

اثر هاله‌ای

اصطلاح «اثر هاله‌ای» به خطای شناختی رایجی اشاره دارد که در آن یک ویژگی مثبت یا منفیِ برجسته در یک فرد یا محصول، تمام قضاوت ما را درباره ابعاد دیگر آن تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر یک خودرو ظاهر بسیار شیک و جذابی داشته باشد، ذهن ما ناخودآگاه فرض را بر این می‌گذارد که موتور آن بی‌نقص، مصرف سوختش بهینه و کیفیت ساختش در بالاترین سطح است. در واقع، یک ویژگی خاص مانند زیبایی ظاهری، مثل یک هاله نور می‌تابد و اجازه نمی‌دهد عیوب دیگر را به طور منطقی ببینیم. بازاریابان با طراحی خیره‌کننده بسته‌بندی یا استفاده از چهره‌های محبوب برای تبلیغ، از این خطای ذهنی استفاده می‌کنند تا کیفیت کل برند را در نظر مشتری بزرگ‌تر جلوه دهند.

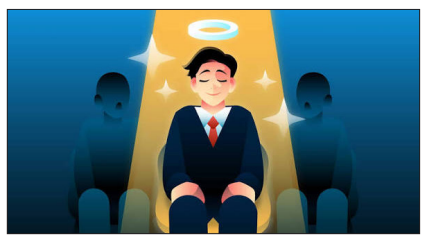

شماره ۱۲۶۰ | دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵
صبح صادق

عوارض تصمیم‌سازان گمنام!

نوید کمالی
دبیر گروه راهبرد

این روزها افزایش هزینه کالاها و خدمات، از نیازهای روزمره خانوارها گرفته تا خدمات آموزشی، درمانی و ارتباطی، فشار مضاعفی بر طبقات حقوق‌بگیر و کارگری وارد می‌کند. در بسیاری از موارد، جنگ، تحریم و ضرورت تأمین منابع مالی به توجیهی برای افزایش قیمت‌ها یا تغییرات ناگهانی در مقررات تبدیل می‌شوند. تردیدی نیست که تحریم‌های خارجی، محدودیت‌های ارزی، اختلال در زنجیره تأمین و نااطمینانی‌های امنیتی، هزینه اداره اقتصاد را افزایش می‌دهند؛ اما پذیرش این واقعیت نباید به معنای نادیده گرفتن سهم تصمیمات داخلی در تشدید مشکلات باشد. اگر قرار است جامعه در برابر فشارهای بیرونی تاب‌آوری بیشتری نشان دهد، سیاست‌گذاری داخلی نیز باید از منطق پیش‌بینی‌پذیری، عدالت در توزیع هزینه‌ها و توجه به ظرفیت واقعی خانوارها پیروی کند.

مسئله اساسی در این میان، نسبت میان ضرورت تصمیم‌گیری در وضعیت اضطراری و مسئولیت‌پذیری تصمیم‌سازان است. مردم معمولاً مسئولان اجرایی و مقامات تصمیم‌گیر را می‌شناسند و پیامدهای سیاست‌های آنان را در زندگی خود تجربه می‌کنند، اما حلقه‌های کارشناسی و مشورتی که گزینه‌های سیاستی را طراحی می‌کنند، کمتر در معرض ارزیابی عمومی قرار دارند. این در حالی است که کیفیت تصمیم نهایی تا حد زیادی به کیفیت مسئله‌شناسی، مفروضات اقتصادی، داده‌های مورد استفاده و پیشنهادهایی وابسته است که پیش از تصویب، در اختیار مسئولان قرار می‌گیرند. بنابراین، برای فهم بخشی از ناکارآمدی‌های سیاستی، باید از سطح تصمیم نهایی فراتر رفت و سازوکار تولید ایده، ارزیابی پیامدها و انتخاب گزینه‌های اجرایی را نیز بررسی کرد.

مسئله کیفیت تصمیم‌سازی است!

در هر نظام حکمرانی، تصمیم‌سازی حلقه‌ای تعیین‌کننده میان دانش تخصصی و اقدام اجرایی است. تصمیم‌گیر ممکن است میان چند گزینه پیشنهادی انتخاب کند، اما اگر گزینه‌ها از ابتدا بر پایه تحلیل ناقص، برآوردهای غیرواقع‌بینانه یا شناخت ناکافی از رفتار بازار طراحی شده باشند، حتی انتخاب آگاهانه او نیز لزوماً به نتیجه مطلوب نمی‌انجامد. از این منظر، مسئولیت سیاستی تنها به امضاکننده یک مصوبه محدود نیست؛ بلکه متوجه مجموعه‌ای از کارشناسان، مشاوران، مدیران میانی و نهادهایی است که در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. البته این مسئولیت باید بر پایه شواهد، شرح وظایف و میزان اثرگذاری واقعی افراد تعیین شود، نه بر مبنای حدس، انتساب‌های اثبات‌نشده یا تسویه‌حساب‌های سیاسی.

یکی از نشانه‌های ضعف در فرایند تصمیم‌سازی، غلبه راه‌حل‌های سریع بر اصلاحات ساختاری است. در چنین رویکردی، مسئله‌ای پیچیده با یک تغییر مقرراتی، افزایش ناگهانی قیمت یا محدودیت اداری پاسخ داده می‌شود، بی‌آنکه آثار مستقیم و غیرمستقیم آن بر سایر بخش‌های اقتصاد به‌درستی سنجیده شود. برای نمونه، اگر هدف از تغییر مقررات واردات تلفن همراه پرچمدار، مدیریت مصارف ارزی و کاهش فشار بر منابع محدود کشور باشد، ارزیابی سیاست نباید صرفاً به میزان ارز مصرف‌شده برای واردات همان گروه از کالاها محدود بماند. باید آثار آن بر بازار تلفن همراه، هزینه تعمیر و نگهداری، دسترسی کسب‌وکارها به ابزارهای ارتباطی، قیمت کالاهای جایگزین و رفتار واردکنندگان نیز بررسی شود. هرگاه یک سیاست برای حل مسئله‌ای محدود طراحی شود، اما هزینه‌های گسترده‌تری را به بخش‌های دیگر تحمیل کند، ضرورت بازنگری در مفروضات و شیوه اجرای آن آشکار می‌شود.

همین منطق درباره پیشنهادهای مرتبط با اصلاح نظام یارانه‌ای، قیمت‌گذاری نان، تأمین منابع کالابرگ و افزایش تعرفه‌های وارداتی نیز صادق است. هیچ‌یک از این حوزه‌ها را نمی‌توان مستقل از ساختار درآمدی خانوارها، ظرفیت تولید داخلی، شبکه توزیع، کشش تقاضا و آثار تورمی بررسی کرد.

در اقتصاد، تصمیمی که روی کاغذ درآمدزا یا کاهنده مصرف به نظر می‌رسد، الزاماً در عمل همان نتیجه را ایجاد نمی‌کند. فعالان اقتصادی به مقررات واکنش نشان می‌دهند، مصرف‌کنندگان الگوی خرید خود را تغییر می‌دهند و بنگاه‌ها هزینه‌های تازه را به قیمت نهایی منتقل می‌کنند. به همین دلیل، هر سیاست اقتصادی باید پیش از اجرا از نظر آثار مستقیم، پیامدهای جانبی، توزیع هزینه‌ها و واکنش احتمالی بازیگران بازار ارزیابی شود. در غیر این صورت، ممکن است سیاستی که با هدف کاهش فشار بر بودجه یا منابع ارزی تصویب شده، از مسیر افزایش هزینه تولید، رشد قیمت کالاهای جایگزین یا کاهش قدرت خرید، فشار بیشتری بر خانوارها وارد کند. چنین وضعیتی نه‌تنها اثربخشی سیاست را کاهش می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به منطق تصمیم‌گیری را نیز تضعیف می‌کند.

عقلانیت راهبردی در برابر شوک‌درمانی

یکی از خطاهای پرهزینه در سیاست‌گذاری اقتصادی، یکسان دانستن سرعت تصمیم‌گیری با کارآمدی آن است. در شرایط اضطراری، سرعت عمل ضروری است، اما این ضرورت نباید به حذف ارزیابی کارشناسی، مشورت میان‌رشته‌ای و سنجش پیامدهای اجتماعی منجر شود. سیاست شوک‌درمانی، به‌ویژه هنگامی که بدون پیش‌نیازهای نهادی، حمایت اجتماعی و سازوکارهای جبرانی اجرا شود، می‌تواند هزینه‌های تعدیل را به گروه‌هایی منتقل کند که کمترین ظرفیت تحمل آن را دارند. خانوار حقوق‌بگیر، کارگر روزمزد، بازنشسته و کسب‌وکار کوچک معمولاً امکان محدودی برای جبران افزایش ناگهانی هزینه‌ها دارند، در حالی که برخی بنگاه‌های بزرگ‌تر می‌توانند بخشی از هزینه را به قیمت نهایی منتقل کنند یا با تغییر ترکیب فعالیت خود از فشارها بکاهند. از این رو، عدالت در سیاست‌گذاری فقط به هدف اعلام‌شده یک تصمیم مربوط نیست، بلکه به نحوه توزیع پیامدهای واقعی آن نیز وابسته است.

این موضوع در وضعیت تهدید خارجی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هنگامی که جامعه با نااطمینانی امنیتی روبه‌روست، پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی به بخشی از احساس امنیت عمومی تبدیل می‌شود. مردم ممکن است دشواری‌های ناشی از تحریم یا ضرورت‌های دفاعی را درک کنند، اما افزایش‌های مکرر و پیش‌بینی‌ناپذیر هزینه‌ها، به‌ویژه هنگامی که توضیح روشن و اقناع‌کننده‌ای درباره ضرورت و پیامد آنها ارائه نمی‌شود، می‌تواند احساس بی‌ثباتی را تشدید کند. بنابراین، مدیریت افکار عمومی صرفاً با اطلاع‌رسانی پس از اتخاذ تصمیم تحقق نمی‌یابد؛ اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که فرایند تصمیم‌گیری تا حد ممکن قابل توضیح باشد، آثار سیاست پیشاپیش سنجیده شود و در صورت بروز پیامدهای ناخواسته، امکان اصلاح سریع وجود داشته باشد.

در این میان، شفافیت درباره صلاحیت حرفه‌ای و مسئولیت کارشناسی اعضای حلقه‌های تصمیم‌ساز اهمیت ویژه‌ای دارد. انتصاب‌ها و انتخاب‌های کارشناسی باید تا حد امکان بر پایه تخصص مرتبط، سابقه عملکرد، توان تحلیل داده و آشنایی با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد. روابط شخصی یا وابستگی‌های غیرحرفه‌ای، اگر جایگزین معیارهای شایستگی شوند، احتمال شکل‌گیری حلقه‌های بسته تصمیم‌سازی را افزایش می‌دهند؛ حلقه‌هایی که عمدتاً در برابر نقد بیرونی مقاومت کرده و هزینه خطاهای خود را به جامعه منتقل می‌کنند.

رضایت اجتماعی بخشی از ظرفیت امنیت ملی

رضایت جامعه را نباید صرفاً مفهومی احساسی یا معیاری برای سنجش محبوبیت مسئولان دانست. رضایت اجتماعی با اعتماد نهادی، احساس عدالت، امید به آینده و برداشت مردم از توانایی حکمرانی برای حل مسائل روزمره ارتباط دارد. جامعه‌ای که تصور می‌کند هزینه بحران‌ها به‌صورت نامتوازن بر دوش آن قرار می‌گیرد، ممکن است به‌تدریج انگیزه مشارکت اقتصادی، همکاری اجتماعی و پذیرش سیاست‌های دشوار را از دست بدهد. در مقابل، هنگامی که ضرورت تصمیمات توضیح داده می‌شود، گروه‌های آسیب‌پذیر مورد حمایت قرار می‌گیرند و امکان اصلاح خطاها وجود دارد، تحمل اجتماعی در برابر فشارهای بیرونی افزایش می‌یابد. از این منظر، رضایت عمومی نه امتیازی فرعی در کنار سیاست‌های اقتصادی و امنیتی، بلکه یکی از مؤلفه‌های پایداری حکمرانی است.

کشورمان از سرمایه‌های انسانی، طبیعی، تاریخی و جغرافیایی ارزشمندی برخوردار است، اما بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها بدون حفظ اعتماد و توان اقتصادی مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. سرمایه انسانی صرفاً مجموعه‌ای از مهارت‌ها و نیروی کار نیست؛ این سرمایه در سلامت، آموزش، انگیزه، امید و توان مشارکت شهروندان نیز تجلی پیدا می‌کند. هنگامی که قدرت خرید خانوارها به‌طور مستمر کاهش می‌یابد و دسترسی به برخی نیازهای ضروری دشوارتر می‌شود، آثار مسئله از مرز اقتصاد عبور می‌کند و بر کیفیت زندگی، فرصت‌های توسعه و نگرش نسل جوان به آینده اثر می‌گذارد. بنابراین، صیانت از معیشت مردم نباید به اقدامی جبرانی پس از بروز بحران محدود شود، بلکه باید در مرحله طراحی سیاست‌ها حضور داشته باشد.

جمع‌بندی

در پایان باید پذیرفت که اقتدار ملی تنها با برخورداری از منابع طبیعی، ظرفیت دفاعی یا موقعیت ژئوپلیتیکی سنجیده نمی‌شود؛ توان جامعه برای تحمل فشار، حفظ امید و مشارکت در مسیر توسعه نیز بخشی از این اقتدار است. مردم کشورمان در دوره‌های دشوار تاریخی بارها مسئولیت‌پذیری و ایستادگی خود را نشان داده‌اند، اما این سرمایه ارزشمند نباید منبعی نامحدود برای جبران خطاهای سیاستی تلقی شود. نمی‌توان از جامعه انتظار داشت که هم‌زمان هزینه تحریم، نااطمینانی، افزایش قیمت‌ها و تصمیمات کم‌دقت را تحمل کند، بی‌آنکه درباره ضرورت و عدالت این هزینه‌ها توضیحی روشن دریافت کند. ملت شریف کشورمان شایسته سیاست‌هایی است که دشواری‌های واقعی را بشناسند، به کرامت مردم احترام بگذارند و از تبدیل بحران‌های مقطعی به فرسایش بلندمدت معیشت جلوگیری کنند.

رضایت جامعه با وعده‌های کلی یا انکار مشکلات به دست نمی‌آید؛ محصول تجربه ملموس مردم از عدالت، کارآمدی، صداقت و مسئولیت‌پذیری است. در حالی که تهدیدهای خارجی و فشارهای اقتصادی می‌توانند هم‌زمان بر کشورمان اثر بگذارند، اصلاح فرایندهای تصمیم‌سازی ضرورتی راهبردی است، نه صرفاً مطالبه‌ای اداری. اگر تصمیم‌سازان پیش از پیشنهاد هر راهکار، پیامدهای آن را در زندگی واقعی مردم بسنجند و تصمیم‌گیران نیز مسئولیت انتخاب و اجرای آن را بپذیرند، می‌توان میان ضرورت‌های اداره کشور و صیانت از معیشت عمومی تعادل برقرار کرد. کشوری که مردمش از فقر، ناامیدی و احساس بی‌عدالتی فرسوده شوند، بخش مهمی از توان توسعه و ثبات خود را از دست خواهد داد؛ اما کشوری که مردم را سرمایه اصلی حکمرانی بداند، حتی در دشوارترین شرایط نیز از ظرفیت بیشتری برای عبور از بحران و ساختن آینده برخوردار خواهد بود.

تجربه‌نگاری شوک درمانی!

«شوک‌درمانی» اقتصادی به مجموعه‌ای از سیاست‌های سریع و گسترده برای آزادسازی قیمت‌ها، حذف یارانه‌ها، خصوصی‌سازی و کاهش مداخلات دولت گفته می‌شود که با هدف مهار تورم، اصلاح ساختار اقتصادی و گذار به اقتصاد بازار اجرا می‌شوند. تجربه کشورها نشان می‌دهد، موفقیت این سیاست‌ها صرفاً به سرعت اجرا وابسته نیست، بلکه کیفیت نهادها، ظرفیت دولت، نحوه توزیع هزینه‌ها و برخورداری مردم از حمایت‌های اجتماعی نیز در نتایج آن نقش تعیین‌کننده دارند. روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، یکی از نمونه‌های برجسته این تجربه است. آزادسازی گسترده قیمت‌ها در سال ۱۹۹۲، در کنار ضعف نهادهای نظارتی و خصوصی‌سازی مسئله‌دار، با تورم شدید، کاهش تولید، گسترش فقر و افزایش نابرابری همراه شد. نتایج کوتاه‌مدت فاجعه‌بار بود؛ چرا که تورم به حدود ۲۵۰۰ درصد در ۱۹۹۲ رسید، GDP حدود ۴۰ درصد کاهش یافت، بیکاری جهش کرد و میلیون‌ها نفر به زیر خط فقر رفتند. خصوصی‌سازی به شکل‌گیری الیگارش‌ها منجر شد که دارایی‌های ملی را با قیمت‌های ناچیز تصاحب کردند. میزان مرگ‌ومیر به‌ویژه در میان مردان در سن کار به شدت افزایش یافت و کاهش امید به زندگی رخ داد. بسیاری از روس‌ها این دوره را «فاجعه» می‌دانند. تجربه روسیه نشان داد تغییر سریع قواعد اقتصادی، بدون نهادهای کارآمد و سازوکارهای حمایتی، ممکن است زمینه‌ساز بی‌ثباتی بلندمدت شود. لهستان در سال ۱۹۹۰ با اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی بالسروویچ، مسیر متفاوتی را پیمود. این کشور توانست تورم را مهار کند و در سال‌های بعد به رشد اقتصادی بازگردد، اما اصلاحات اولیه با بیکاری، تعطیلی بنگاه‌ها و فشار بر خانوارهای آسیب‌پذیر همراه بود. چشم‌انداز پیوستن به اتحادیه اروپا، اجماع سیاسی و ظرفیت نهادی از عواملی بودند که به موفقیت نسبی این کشور کمک کردند. در بولیوی نیز سیاست‌های سال ۱۹۸۵ تورم بسیار شدید را مهار کردند، اما کاهش دستمزد واقعی، افزایش بیکاری و کوچک‌شدن بخش معدن دولتی، هزینه‌های اجتماعی قابل‌توجهی به همراه داشت. تجربه شیلی در دهه ۱۹۷۰ نیز نشان داد کنترل تورم و اصلاحات بازار، به‌تنهایی تضمین‌کننده توزیع عادلانه منافع رشد اقتصادی برای عموم مردم نیست. در مجموع، تجربه کشورهای پساکمونیستی نشان می‌دهد گذار اقتصادی در برخی موارد با افت شدید تولید، افزایش فقر، گسترش نابرابری و تضعیف طبقه متوسط همراه بوده است. منتقدانی، مانند جوزف استیگلیتز بر این نکته تأکید دارند که نادیده‌گرفتن نهادسازی و حمایت اجتماعی می‌تواند هزینه اصلاحات را به آسیب‌پذیرترین گروه‌ها منتقل کند. البته نمی‌توان همه پیامدهای منفی را صرفاً به شوک‌درمانی نسبت داد؛ شرایط اولیه اقتصاد، کیفیت حکمرانی و نحوه اجرای سیاست‌ها نیز مؤثر بوده‌اند. درس اصلی این تجربیات آن است که اصلاحات اقتصادی باید متناسب با ظرفیت نهادی و اجتماعی هر کشور طراحی شوند. آزادسازی قیمت‌ها یا خصوصی‌سازی، بدون نظارت مؤثر، رقابت واقعی، حاکمیت قانون و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد، ممکن است به انحصار، رانت‌جویی و تشدید نارضایتی منجر شود. اصلاحات موفق به تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، اجرای مرحله‌بندی‌شده، ارزیابی پیامدها و امکان اصلاح سیاست‌های ناموفق نیاز دارند.

دیگران

نه به شوک درمانی!

سید علی اکبر حسینی
پژوهشگر امنیت ملی

کیفیت تصمیم‌گیری اقتصادی با اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و امنیت ملی ارتباط دارد. افزایش ناگهانی هزینه کالاها و خدمات، تغییرات پیش‌بینی‌ناپذیر مقررات و کاهش قدرت خرید، بر خانوارهای حقوق‌بگیر و کم‌درآمد فشار وارد می‌کند.

مردم فشار تحریم‌ها و محدودیت منابع را درک می‌کنند، اما این واقعیت‌ها نباید توجیهی برای هر افزایش قیمت یا تصمیم شتاب‌زده شوند. وقتی چند تغییر اقتصادی در فاصله‌ای کوتاه رخ می‌دهد، اثر تجمعی آنها می‌تواند از پیامد هر تصمیم به‌تنهایی فراتر رود.

نارضایتی اجتماعی معمولاً نتیجه یک عامل منفرد نیست. فشار معیشتی، احساس بی‌عدالتی، ضعف پاسخ‌گویی و کاهش اعتماد نهادی، در کنار یکدیگر می‌توانند زمینه انباشت نارضایتی را فراهم کنند. تصمیمی که بدون ارزیابی کافی اجرا می‌شود، ممکن است به محرکی برای اعتراض تبدیل شود؛ اما هیچ رابطه‌ای در این زمینه قطعی و خودکار نیست. وظیفه سیاست‌گذار شناخت عوامل نارضایتی و پیشگیری از فشارهای قابل اجتناب است، نه انکار مشکلات یا نسبت دادن همه مطالبات به عوامل بیرونی.

بازیگران خارجی نیز مشتاقانه از شکاف‌های اجتماعی، نارضایتی‌های واقعی و اطلاعات گمراه‌کننده بهره می‌گیرند. با این حال، باید میان اعتراض اقتصادی و خشونت سازمان‌یافته، و نیز میان مطالبه داخلی و مداخله خارجی، تمایز روشنی برقرار کرد. برخورد با مداخلات واقعی به شواهد نیاز دارد؛ پاسخ به مطالبات مشروع نیز باید بر گفت‌وگو، شفافیت و اصلاح سیاست‌ها استوار باشد.

یکی از ریشه‌ها، محدود ماندن تصمیم‌سازی به حلقه‌هایی است که مفروضات و روش ارزیابی‌شان روشن نیست. تصمیم‌گیران مسئولیت تصویب و اجرا را دارند، اما کیفیت انتخاب‌های‌شان به پیشنهادها و تحلیل‌هایی وابسته است که بیشتر در اختیارشان قرار گرفته است.

راهکار حرکت به سوی ساختار و نظامی اندیشکده‌محور و چندرشته‌ای است؛ نظامی که در آن اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، متخصصان امنیت ملی، مدیران اجرایی و کارشناسان بازار پیش از تصویب سیاست‌های مهم، گزینه‌های مختلف را ارزیابی کنند. این مشارکت نباید تشریفاتی بماند. لازم است هر پیشنهاد از نظر هزینه و فایده، آثار توزیعی، پیامدهای تورمی، اثر بر گروه‌های آسیب‌پذیر و خطرهای اجرایی بررسی شود. انتشار مبانی کارشناسی تا جایی که ملاحظات محرمانگی اجازه می‌دهد، ثبت مسئولیت‌ها و ارزیابی مستقل نتایج نیز می‌تواند کیفیت پاسخ‌گویی را افزایش دهد.

سیاست‌های پرریسک بهتر است مرحله‌بندی شوند و پیش از اجرای سراسری در مقیاس محدود مورد آزمون قرار گیرند نه اینکه یک شبه اعلام شوند و جامعه را غافلگیر کنند! برای هر تصمیم باید هدف‌های قابل سنجش، زمان بازبینی و سازوکار اصلاح پیامدهای ناخواسته مشخص باشد.

دقت کنیم که امنیت ملی پایدار تنها به ظرفیت دفاعی وابسته نیست؛ بلکه اعتماد عمومی، توان اقتصادی خانوارها و کارآمدی نهادها نیز از پایه‌های تاب‌آوری کشورند. تهدیدهای خارجی باید جدی گرفته شوند، اما یکی از راه‌های مقابله با آنها، کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی و جلوگیری از تبدیل خطاهای قابل پیشگیری به بحران اجتماعی است. تصمیم‌سازی اندیشکده‌محور، حضور واقعی نخبگان متخصص و پاسخ‌گویی در برابر پیامدها می‌تواند به تصمیماتی سنجیده‌تر و عادلانه‌تر منجر شود.

شماره ۱۲۶۰ | دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵
صبح صادق

صبح صادق بررسی می‌کند؛ از زیرنویس‌های مسئله‌دار تا عادی‌سازی الفاظ رکیک!

در نمایش خانگی چه خبر است؟

گروه فرهنگ
صبح صادق

اتفاقات اخیر در شبکه نمایش خانگی، گویای ضعف روزافزون نظارت بر نمایش خانگی است. وقتی در ترجمه زیرنویس فیلم‌های خارجی، دیالوگ‌های سریال‌های داخلی و همچنین برنامه‌های سرگرم‌کننده، الفاظ رکیک و شوخی‌های جنسی به گوش می‌رسد، این پرسش دیگر حاشیه‌ای نیست. خانواده‌ای که برای تماشای یک اثر به پلتفرم داخلی مراجعه می‌کند، حق دارد بداند چه محتوایی در انتظار اوست؛ اما نمونه‌های منتشرشده از برخی آثار، این نگرانی را ایجاد کرده‌اند که سازوکار نظارت بر محتوای عرضه‌شده، با سرعت گسترش این بازار همگام نیست.

بعضی فیلم‌های خارجی در حال پخش، نمونه‌ای از این مسئله را نشان می‌دهد؛ در بخشی از زیرنویس این آثار، عباراتی به کار رفته که با فضای تماشای خانوادگی درتضاد هستند؛ یعنی برخی فیلم‌های خارجی به طور مستقیم از شبکه غیررسمی یا فضای قاچاق به طور مستقیم وارد پلتفرم‌ها می‌شوند و زیرنویس‌های آنها پر از الفاظ غیراخلاقی و ناسزاگویی است.

این نگرانی به آثار خارجی محدود نمی‌شود. سریال «سرخ و سیاه» نیز از جمله آثاری است که به دلیل استفاده از تعابیر زشت و رکیک مورد انتقاد «خانواده‌های ایرانی» قرار گرفته است. در برخی برنامه‌های سرگرم‌کننده شبکه نمایش خانگی، از جمله برنامه‌های مرتبط با امیرحسین قیاسی، شوخی‌ها و اشاره‌هایی به موضوعات خصوصی و لباس زیر نیز حساسیت‌هایی برانگیخته است.

تکرار چنین گزارش‌هایی پرسشی روشن را پیش می‌کشد: چه سازوکاری تعیین می‌کند کدام واژه، شوخی یا موقعیت برای عرضه در پلتفرم‌های داخلی پذیرفتنی است و چه نهادی مسئول کنترل نسخه نهایی است؟

جذابیت ارزان؛ بدون مسئولیت فرهنگی

مشکل از جایی آغاز می‌شود که واژه‌های زننده جای فیلمنامه قوی، شوخی خلاقانه و موقعیت‌سازی هوشمندانه را می‌گیرند. در این وضعیت، ابتذال به راهی آسان برای تحریک مخاطب تبدیل می‌شود؛ راهی که شاید در کوتاه‌مدت توجه ایجاد کند، اما در بلندمدت از کیفیت اثر و اعتبار سازندگان آن می‌کاهد. کمدی موفق الزاماً مبتذل نیست و داستان جذاب نیز برای پیشبرد روایت به عبور مکرر از مرزهای عرف عمومی احتیاج ندارد.

نمایش خانگی علیه امنیت خانه

یکی از ویژگی‌های شبکه نمایش خانگی، امکان انتخاب زمان و مکان تم است؛ قابلیتی که بسیاری از خانواده‌ها را به استفاده از این بسترها ترغیب کرده است. اما این آزادی انتخاب زمانی ارزشمند است که مخاطب بتواند با اطلاع کافی از محتوای اثر تصمیم بگیرد. خانواده‌ای که برای تماشای یک فیلم یا برنامه در کنار فرزندان خود می‌نشیند، نباید ناگهان با الفاظ و شوخی‌هایی روبه‌رو شود که انتظارش را نداشته است.

تکرار چنین تجربه‌هایی والدین را به کنارگذاشتن تماشای جمعی، محدودکردن دسترسی فرزندان یا حتی پرهیز از استفاده از یک پلتفرم سوق می‌دهد. درباره تأثیر مستقیم این محتواها بر رفتار نوجوانان نمی‌توان بدون شواهد پژوهشی حکم قطعی صادر کرد؛ با این حال، عادی‌شدن ادبیات رکیک در محصولات پرمخاطب می‌تواند حساسیت زبانی و هنجارهای گفتاری را تحت تأثیر قرار دهد، به‌ویژه هنگامی که این زبان نه در خدمت نقد یک رفتار، بلکه به‌عنوان ابزار معمول سرگرمی عرضه شود.

سرمایه‌ای که به‌آسانی از دست می‌رود

آسیب دیگر، فرسایش اعتماد مخاطب است. وقتی یک پلتفرم خود را گزینه‌ای قابل اتکا برای تماشای آثار نمایشی معرفی می‌کند، مخاطب انتظار دارد اطلاعات روشن و امکان انتخاب آگاهانه درباره محتوای آن در دسترس باشد. مواجهه مکرر با موارد پیش‌بینی‌نشده ممکن است این تصور را ایجاد کند که رقابت برای جذب مشترک، بر مسئولیت فرهنگی و حقوق مصرف‌کننده تقدم یافته است.

نتیجه‌چنین وضعی لزوماً ریزش قطعی مخاطبان نیست، اما کاهش اعتماد، اعتراض مشترکان و فاصله‌گرفتن خانواده‌ها از محصولات مسئله‌دار، پیامدهایی محتمل‌اند. پلتفرم‌ها نباید تصور کنند مخاطب برای دسترسی به محتوای تازه از هر معیاری چشم‌پوشی می‌کند. اعتماد، برخلاف آمار بازدید، با تبلیغات پرحجم بازنمی‌گردد؛ باید در تجربه واقعی مخاطب ساخته شود.

نه رهاسازی، نه سلیقه‌گرایی

در این میان، مسئولیت پلتفرم‌ها و نهادهای ناظر، از جمله ساترا، قابل چشم‌پوشی نیست. نظارت مؤثر باید هم بر تولیدات داخلی و هم بر ترجمه و دوبله آثار خارجی اعمال شود؛ زیرا دوبله صرفاً انتقال واژه‌ها از زبانی به زبان دیگر نیست، بلکه تصمیمی حرفه‌ای درباره لحن، معنا و تناسب فرهنگی نیز هست. نسخه نهایی منتشر شده باید بر اساس ضوابط روشن و اعلام شده بررسی شود.

راه‌حل نه برخورد سلیقه‌ای، بلکه تدوین معیارهای شفاف، بازبینی متناسب با سطح خطر، درج هشدار محتوایی دقیق، امکان گزارش آسان تخلف و رسیدگی پاسخ‌گو به اعتراض مخاطبان است. در موارد تخلف نیز باید مسئولیت پلتفرم و تهیه‌کننده مشخص باشد و ضمانت اجرا به‌اندازه‌ای بازدارنده باشد که نقض مقررات صرفه اقتصادی پیدا نکند. هم‌زمان، امکان اعتراض حرفه‌ای و اصلاح تصمیم‌های نادرست باید وجود داشته باشد تا نظارت به محدودسازی بی‌ضابطه خلاقیت تبدیل نشود.

شبکه نمایش خانگی برای ماندگاری، به چیزی بیش از ستاره‌های مشهور و تبلیغات پرحجم نیاز دارد: اعتماد مخاطب. این اعتماد زمانی حفظ می‌شود که سرگرمی با مسئولیت اجتماعی همراه باشد و خانواده بداند برای تماشای یک اثر، ناچار نیست پیوسته نگران محتوای پیش‌بینی‌نشده آن باشد. اگر پلتفرم‌ها و نهادهای ناظر این مطالبه را جدی نگیرند، هزینه آن فقط چند اعتراض رسانه‌ای نخواهد بود؛ ممکن است فاصله میان خانواده ایرانی و رسانه‌ای که برای جذب او رقابت می‌کند، روزبه‌روز بیشتر شود.

یادداشت

خاکریز سینما

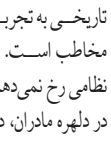

آرش فهیم
دبیر گروه فرهنگ

سینما در ذات خود، مهم‌ترین ابزار ثبت، بازنمایی و مهندسی تجربه‌های تاریخی و اجتماعی یک ملت است. در روزگاری که جنگ‌های نوین فراتر از میادین نظامی در عرصه‌های شناختی و روایی هم گسترش یافته، تثبیت و نوع روایت رویدادهای سرنوشت‌سازی، همچون «جنگ‌های دوازده‌روزه» و «جنگ رمضان» اهمیت دوچندانی می‌یابد. پرداختن به این حماسه‌ها و بحران‌ها، هرگز نباید صرفاً به بازتولید سطحی صحنه‌های رزم، انفجار و گزارش‌های نظامی محدود شود؛ چرا که ابعاد انسانی، اجتماعی و عاطفی این رخدادها، گنجینه‌ای ناب و بی‌پایان برای درام‌پردازی به شمار می‌رود.

بررسی پدیدارشناسی آثار تولید شده درباره این حوادث- نظیر فیلم‌هایی چون «نیم‌شب»، «سقف»، «قمارباز»، «کافه سلطان» و... نشان می‌دهد سینمای ایران به صرافت ورود به این حوزه خطیر افتاده است؛ البته این آثار فقط به جنگ ۱۲ روزه محدود هستند و سال گذشته در جشنواره فجر رونمایی شدند و طی ماه‌های اخیر روی پرده سینماهای کشور رفته‌اند. تجربه این آثار گویای آن است که صرف موضوع‌محوری و دست گذاشتن روی سوژه‌های مقاومت، به‌خودی‌خود تضمین‌کننده خلق یک اثر ماندگار نیست. آنچه بیش از هر چیز ارزش‌آفرین است، کیفیت روایت، اصالت شخصیت‌پردازی و توانایی فیلم‌ساز در تبدیل یک رخداد کلان تاریخی به تجربه‌ای ملموس و زیسته برای مخاطب است. جنگ فقط در خاکریزهای نظامی رخ نمی‌دهد؛ جنگ در تنفس خانه‌ها، در دلهره مادران، در تغییر روابط اجتماعی و در مقاومت خاموش شهرها جریان دارد.

بزرگ‌ترین آسیب در سینمای مقاومت، سقوط به ورطه شعارزدگی، کلیشه‌سازی و تقلیل انسان‌های حاضر در جنگ به تیپ‌های تخت و فاقد پس‌زمینه است. بهره‌گیری از این ظرفیت‌های عظیم نیازمند برنامه‌ریزی کلان و نگاه بلندمدت است. این مهم، بدون پژوهش میدانی دقیق محقق نخواهد شد. فیلم‌سازی که پیش از نگارش فیلم‌نامه، زحمت تحقیق درباره اتمسفر اجتماعی، جزئیات رفتاری و روان‌شناسی آدم‌ها در وضعیت جنگی را به خود ندهد، محصولی سفارشی و دور از باور تولید می‌کند که تماشاگر ارتباطی با آن برقرار نخواهد کرد. تجربه نشان می‌دهد تخیل هنری همواره زمانی بالنده می‌شود که بر بستر واقعیت و شناخت عمیق موضوع بنشیند.

از سوی دیگر، همانطور که در تجربه‌های جهانی نیز دیده می‌شود، الگوهای روایی بیگانه یا تقلید کورکورانه از ساختارهای وارداتی نمی‌تواند روح حماسه و مقاومت بومی ما را بازتاب دهد. فیلم‌ساز باید زبان و فرم متناسب با هویت ایرانی-اسلامی را کشف کند. این امر مستلزم حمایت‌های هدفمند، ایجاد فرصت برای پژوهش و بها دادن به نسل نوظهور و دغدغه‌مند سینماست؛ حمایتی که اگر به جریان‌سازی مستمر و نظام‌مند تبدیل نشود، در حد چند پروژه پراکنده باقی خواهد ماند.

دو نبرد اخیر، با تمام ابعاد دراماتیک، تراژیک و حماسی‌اش، در انتظار هنرمندانی است که با چشمانی تیزبین، قلبی متصل به مردم و تسلط بر زبان سینما، این تاریخ پرشکوه را به روی پرده نقره‌ای بیاورند. اگر پژوهش ژرف، فیلم‌نامه‌نویسی ساختاریافته، شخصیت‌پردازی‌های انسانی و حمایت هدفمند در کنار هم قرار گیرند، سینمای ایران قادر خواهد است پاسخی کوبنده به جنگ روایت‌های نظام سلطه بدهند.

برداشت

نگاهی به مجموعه چهار جلدی، آسمان‌دار

دیدبانان آسمانِ ایران

مهدی امیدی
کارشناس رسانه

مجموعه چهارجلدی «آسمان‌دار» اثر مشترک مؤسسه روایت سوره و انتشارات شهید کاظمی، پس از رونمایی و انتشار نوبت اول، با استقبال چشمگیر علاقه‌مندان حوزه دفاع و امنیت روبه‌رو شد، به‌طوری که ظرف مدت کوتاهی به چاپ چهارم رسید.

ادبیات مقاومت و پایداری در ایران اسلامی، همواره گنجینه‌ای بی‌بدیل از روایت مردان بزرگی بوده است که با اتکا به ایمان، تخصص و اخلاص، مرزهای پیشرفت را درنوردیده‌اند. در این میان، روایتِ اقتدار دفاعی و پیشرفت‌های خیره‌کننده در حوزه هوافضا، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و حفاظتی، همواره با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. ظهور مجموعه چهارجلدی «آسمان‌دار» به قلم جمعی از نویسندگان توانا و به همت انتشارات شهید کاظمی و مؤسسه روایت سوره، تلاشی ارزشمند و استراتژیک برای پر کردن همین خلأ تاریخی است؛ مجموعه‌ای که برش‌هایی از حیات پرفراز و نشیب چهار نفر از فرماندهان برجسته نیروی هوافضای سپاه را که در جریان «جنگ ۱۲روزه» خرداد ۱۴۰۴ به فیض شهادت نائل آمدند، به تصویر کشیده است.

این مجموعه چهارگانه، با نام‌های هوشمندانه‌اش، روایتی چندلایه و ملموس از ارکان اقتدار موشکی، پهپادی و پدافندی کشور ارائه می‌دهد. کتاب «مردی که می‌خواست زنده بماند» نوشته فائضه غفارحدادی، به زندگی و مجاهدت‌های سپهبد شهید امیرعلی حاجی‌زاده اختصاص دارد و مسیری را از دوران دفاع مقدس تا تحول توان موشکی ایران ترسیم می‌کند. در کنار آن، «مردی که هوای آسمان را داشت» به قلم زینب‌سادات طباطبایی، ابعاد تخصصی و سادهزیستی سردار شهید داوود شیخیان در توسعه سامانه‌های بومی پدافندی را واکاوی می‌کند. همچنین کتاب «مردی که می‌توانست پرواز کند» اثر سیدمحمدیوسف جلالی، سراغ یگان پهپادی و نقش حیاتی شهید محمدباقر طاهرپور رفته و در نهایت، «مردی که نمی‌خواست دیده شود» نوشته مرضیه اعتمادی، روایتی از تواضع و مجاهدت‌های خاموش سردار شهید محمود باقری، معمار گمنام بخش موشکی است.

یکی از نقاط قوت برجسته «آسمان‌دار»، عبور از کلیشه‌های رایج زندگی‌نامه‌نویسی و تمرکز بر «ترکیب تخصص و معنویت» است. نویسندگان تلاش کرده‌اند چهره‌ای انسانی، عینی و ملموس از این فرماندهان ارائه دهند؛ فرماندهانی که در عین صلابت نظامی و نبوغ راهبردی، از منش اخلاقی، روحیات لطیف و خاستگاه‌های مردمی برخوردار بوده‌اند. خاطرات ثبت‌شده در این آثار، نشان می‌دهد چگونه نظم، تعهد و خودباوری می‌تواند یک انسان معمولی را به سکاندار فناوری‌های پیشرفته نظامی بدل کند.

مجموعه «آسمان‌دار» از منظر استمرار جریان تاریخ شفاهی هوافضا نیز حائز اهمیت فراوان است. اگر آثار پیشین بیشتر بر چهره‌های بنیان‌گذار، همچون شهید حسن تهرانی‌مقدم متمرکز بود، این مجموعه نگاه مخاطب را به نسل بعدی فرماندهان و استمرار پویایی این صنعت استراتژیک پیوند می‌زند. استقبال مخاطب و رسیدن اثر به چاپ دوم در فاصله کوتاهی پس از انتشار، گواهی بر نیاز جامعه به شناخت الگوهای اصیل و قهرمانان واقعی است. مطالعه این کتب، به‌ویژه برای نسل جوان و نوجوان، نه‌تنها الهام‌بخش است، بلکه عمق خودباوری ملی را در مواجهه با فشارهای نظام سلطه عیان می‌کند.

صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: یدالله جوانی
سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
سیامک باقری، سعدالله زارعی، عزیز غضنفری، مهدی سعیدی، فتح‌الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللهی‌فر، رضا صارمی‌راد
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمدصالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۶۰ | دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵

مکتب

تلاش برای دفاع از دین خدا

سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

اگر از شما بپرسند که بهترین کار در این دنیا نزد شما چیست، طبیعتاً از چیزهایی که به آن علاقه دارید می‌گویید و رسیدن به آن را آرزو می‌کنید. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «بر شما باد به تلاش و سختکوشی و مهیا شدن و آماده گشتن و توشه برداشتن از سرای توشه (دنیا)، مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد چنانکه ملت‌های گذشته و اقوام پیشین را فریفت.» حال آیا عملی هست که بهترین عمل در نزد خدا و البته کوتاه‌ترین باشد؟ پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «إِن أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللهِ الصلاةُ وَ الْبِر وَ الْجِهَادُ»؛ برای این کارها ابتدا باید نیت کنیم. یعنی چه؟ یعنی ذهن و قلب و جسم و روح‌مان باور کند که این کار بهترین کار است و قدم گذاشتن در آن صد درصد صحیح است. در مورد جهاد مؤمنان باید نیت کنند که مدافع دین خدا باشند و توقعی در رسیدن به پیروزی هم نداشته باشند. اینکه خدا کمک می‌کند، البته اصلی قطعی و انکارناپذیر است. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...» (عنکبوت/۶۹) آیا کمک خداوند، یعنی موفقیت و پیروزی، که در ذهن ماست؟ برای نمونه، پیروزی امام حسین(ع) بر یزید باید اینطور می‌بود که امام(ع) و یارانش همه لشکر یزید را قلع و قمع می‌کرد و بعد هم سراغ خود یزید می‌رفت و او را به درک واصل می‌کرد؟ خب اگر این نشد یعنی امام(ع) شکست خورده؟! جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، با استفاده از همه امکانات، با تجهیز شدن به تمام امکانات، با استفاده از تمام هنرهای جنگی و...؛ اما در دایره حقیقت دین و با نیت الهی و پاک باید هر نتیجه‌ای را که خدا رقم زد مطیع باشیم. بهترین کار در این دنیا هم دفاع از دین خداست. باید نیت کنیم که درست عمل کنیم و نتیجه امر را به خدا بسپاریم. پس اگر ده بار به دشمن حمله کردیم، با رعایت جوانب، این خداست که اراده می‌کند کدام حمله به نتیجه برسد و موفقیت‌آمیز باشد؛ زیرا «... وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...».

صبحانه

دنیای مهربانی

هیچ اقدام مهربانانه‌ای، هرچقدر هم که کوچک باشد، هرگز هدر نمی‌رود. دستگیری از دیگران و جاری کردن حس خوب در جامعه، نه تنها زندگی اطراف‌مان را زیباتر و امیدبخش‌تر می‌کند، بلکه به روح خود ما نیز آرامش و اعتباری عمیق می‌بخشد.

صادقانه

لباس تقوا

امام علی(ع) می‌فرماید: «همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد جامه تقوی و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست.»
(نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷)

منبر

طمع شیطان!

گفتاری از **حجت‌الاسلام سید علیرضا تراشیون**

یکی از محورهایی که در قرآن به صورت جدی به آن پرداخته شده و در سوره‌های قرآن هم ما می‌بینیم که این موضوع مورد توجه قرار گرفته، مسئله خانواده است. شما در سوره «هل أتی» می‌بینید که یک بخشی به عنوان یک سیاست‌گذاری در نظام خانواده آیاتی را داریم که مطرح می‌شود. مثلاً «سوره نور» را خیلی از بزرگان می‌گویند سوره خانواده است و به موضوع خانواده به صورت جدی پرداخته می‌شود. آیه‌ای در سوره رعد داریم و آیه‌ای در سوره روم. آیه بیست‌ویکم سوره روم هست که به نوعی آن سیاست کلی را در حوزه خانواده می‌بینیم. در آیه بیست‌ویکم سوره روم شما می‌بینید که این آیه تقریباً سه بخش عمده را بیان می‌فرمایند. بخش اول این است که خود نظام خانواده را از نشانه‌ها و آیات الهی بیان می‌کنند. بخش دوم فلسفه شکل‌گیری خانواده بیان می‌شود که آنجا هم به سه نکته آرامش، دوستی و محبت اشاره می‌شود. «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»؛ و بخش پایانی آیه هم ما را به تفکر در نظام خانواده وا می‌دارند که اصلاً این نشانه الهی یک بخشی از بحثی هست که انسان بتواند در آن تفکر بکند که بداند به نوعی اهمیت شکل‌دهی نظام خانواده چقدر مهم است... وجود مبارک نبی مکرم اسلام(ص) می‌فرمایند اصلاً نصف سعادت در تشکیل خانواده هست؛ یعنی انسانی که به دنبال سعادت در دنیا و آخرت هست، نباید نسبت به خانواده غافل شود. یا در روایت دیگری داریم که حضرت فرمودند: تشکیل خانواده خودش نیمی از عبادت به شمار می‌آید. شیطان سیاستی که دارد این است که حمله می‌کند به آن نهادها و پیوندهای مقدس؛ یعنی یکی از حرکت‌هایی که شیطان می‌زند این است. برخی نهادها و پیوندها واقعاً مقدس هستند. مثلاً مثل پیوند بین انسان و خدا. لذا شما می‌دانید که هر چه جلوتر می‌رویم شیطان چشم طمع بیشتری به این دارد. در موضوع تربیت ما باید کار بیشتری کنیم که فرزند ما به واسطه شیطان در این زمینه رکب نخورد؛ یعنی در زمین شیطان بازی نکند. این یک پیوند است که می‌بینیم مورد طمع شیطان است... .

آیه

تنها راه سعادت!

سید مرتضی رضایی
کارشناس مذهبی

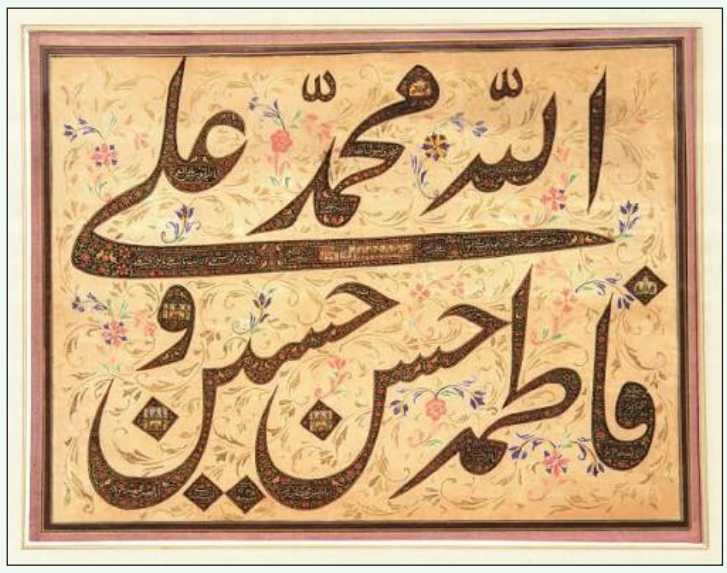

در قرآن کریم، آیه‌ای که مستقیماً به «محبت به خویشاوندان» (مودت فی‌القربی) مربوط می‌شود، آیه ۲۳ سوره شوری است: «قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ بگو: من از شما بر [رساندن رسالت] پاداشی نمی‌خواهم، مگر محبت به خویشاوندان [نزدیکان]. در اینجا «قربی» به معنای خویشاوندان نزدیک پیامبر(ص) است. بر اساس روایات متواتر شیعه و سنی، مصداق روشن آن حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هستند. پیامبر اکرم(ص) هنگام نزول این آیه، وقتی از ایشان پرسیدند: «خویشاوندان شما چه کسانی هستند؟» سه بار فرمودند: «علی و فاطمه و دو فرزندشان».

اما چه کسانی «قربی» نیستند؟ کسانی که پیامبر(ص) آنها را به عنوان «خویشاوند» تعیین نکرده‌اند، هرچند نسبت خویشاوندی داشته باشند، در محدوده این آیه قرار نمی‌گیرند. برخی از مفسران تلاش کرده‌اند «قربی» را به معنای «همه خویشاوندان» یا «قریش» تفسیر کنند؛ اما این با کاربرد قرآنی و معنای لغوی واژه سازگار نیست و با سیاق آیه نیز تناسب ندارد. به عبارت ساده، کسانی که از مسیر اهل بیت(ع) منحرف شده‌اند و رابطه خود را با آنها قطع کرده‌اند، طبیعتاً از دایره این «محبت» که خداوند واجب کرده است، خارج می‌شوند. چرا محبت به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) لازم است؟ زیرا این محبت صرفاً یک احساس عاطفی نیست، بلکه «راه رسیدن به خدا» است. آیه می‌فرماید این محبت، پاداش رسالت است؛ اما این پاداش برای پیامبر(ص) نیست، بلکه برای خود مردم است. محبت به اهل بیت(ع) انسان را به پیروی از آنها و در نتیجه به هدایت الهی نزدیک می‌کند و در واقع ضامن تداوم راه پیامبر(ص) است. اگر کسی ادعای محبت کند اما در عمل از دستورات آنها پیروی نکند، این محبت دروغین است؛ محبت واقعی همراه با اطاعت است. چگونه می‌توان به «قربی» معرفت و محبت پیدا کرد؟ کلید کار «شناخت» است. انسان به طور طبیعی چیزی را که زیبا و کامل می‌شناسد، دوست می‌دارد. هرچه شناخت ما از اهل بیت(ع) عمیق‌تر شود- از طریق مطالعه زندگینامه آنها، درک فداکاری‌های‌شان، آشنایی با تعالیم‌شان- محبت آنها به طور طبیعی در قلب رشد می‌کند و این شناخت باید در عمل محک بخورد: هرچه بیشتر از آنها پیروی کنیم، محبت ما خالص‌تر می‌شود.

در نهایت، معنای «اجر» در این آیه نیازمند توجه دقیق است. خداوند می‌فرماید پیامبر(ص) در ازای رسالت خود از مردم پاداشی نمی‌خواهد، اما استثنا قائل می‌شود: «مگر محبت به خویشاوندان»؛ این به آن معنا نیست که پیامبر(ص) برای خود درآمد یا مقامی می‌خواهد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان توضیح می‌دهد که این «اَجر» در واقع به خود مردم بازمی‌گردد: محبت به اهل بیت(ع) همان پذیرش دعوت پیامبر(ص) است، وسیله‌ای برای هدایت مردم. خداوند این محبت را «اَجر» نامیده است، اما سود آن به مردم می‌رسد، نه به پیامبر(ص)؛ بنابراین، آیه در حقیقت نمی‌گوید «به من پاداش بدهید»، بلکه می‌گوید «به خویشاوندان من محبت کنید» و این محبت همان چیزی است که شما را در مسیر هدایت نگه می‌دارد و به خدا می‌رساند.

غیر رسمی

دلتنگ رهبر شهید!

«یادم است همیشه وقتی قهرمانان و ورزشکاران به دیدار رهبر شهید می‌رفتیم، ذوق و شوق خاصی داشتیم که قرار است بزرگی برای‌مان صحبت کنند. تک‌تک جملات ایشان مایه دلگرمی بود، اما این بار قضیه کاملاً فرق می‌کرد.» وی ادامه داد: «وقتی وارد خیابان شدم و حجم تخریب‌ها را دیدم، مات و مبهوت مانده بودم که مگر می‌شود؟ این بار دیگر آقایی نبود که برای‌مان صحبت کنند و لبخند بزنند؛ آنجا واقعاً دلم شکست. جای‌شان خیلی خالی است. ایشان بزرگ خانواده ایران و قائد امت بودند و شهادت‌شان ضرر بزرگی برای ما بوده، هست و خواهد بود.
بچه‌هایی که پای لانچر و پدافند کار می‌کنند، به یک شکل و ورزشکاران هم به شکل دیگر در زمین ورزش و میادین بین‌المللی پرچم ایران را بالا می‌برند. زمانی هم که در تیم ملی بسکتبال بودم، هر بار پرچم ایران بالا می‌رفت، کیف می‌کردم و تمام تلاشم را انجام می‌دادم تا نام کشورم بلندآوازه باشد.
در سال ۲۰۱۳ برای شرکت نکردن در جام عرب، دو ماه زودتر قراردادم را فسخ کردم و به ایران آمدم، چون نام خلیج‌فارس مهم‌تر از هر بحث مالی و چیز دیگری بود.»

اصغر کاردوست
ملی‌پوش سابق بسکتبال ایران

حسن ختام

می‌دانم که می‌آیی...

می‌دانم که می‌آیی از مغرب آسمان...
می‌آیی و به کعبه تکیه می‌دهی، در حالی که پرچم پیامبر(ص) را در دست داری. می‌آیی و دین خدا را در سراسر جهان جاری می‌کنی. می‌آیی و با شمشیر عدالت دنیای ظلم را نابود و زمین را پر از مهربانی می‌کنی.
می‌آیی و مسیح(ع) در رکاب مقدست قیام می‌کند تا اینکه گلبانگ محمدی در سراسر دنیا طنین می‌اندازد. کاش می‌دیدم روزهایی را که با فروغ ظهور تو روشن شده است. با این آرزو که در مقدم تو و در راه یاری دین خدا جهاد کنیم و جزء سربازان با وفایت باشیم.
تو می‌آیی و دلم را خویشاوند تمام پنجره‌های جهان می‌کنی. تو می‌آیی و فریادهای فروخفته ستمدیدگان جهان را معنا می‌بخشی. تو می‌آیی و من خوب می‌دانم که روزی از همین دریچه که سال‌هاست بسته مانده است، جوانه‌ای خواهد رویید؛ جوانه‌ای سبز که از خیال همیشه منتظر من به سمت آسمان‌های آبی حضور تو سر بر خواهد آورد.